

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
وبایگاه داخلیش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم شماره ۱۱۵

چهارشنبه سوم تیر ۱۳۶۰

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

۲۴ صفحه

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق

سعید سلطانپور

بدست دژ خیمان
رژیم جمهوری اسلامی



باستادان سرمایه‌براهیمائی کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز، رابخون کشیدند

باستادان سرمایه‌ونیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در روز ۲۷ خرداد ماه را عمیمائی کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز رابخون کشیدند و با ردیگر چهره ضد خلقی خود را نشان دادند. در این کشتار وحشیانه بیش از ۵۰ کارگر شهید و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند و باستادان ۵۰۰ تن را نیز دستگیر کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

خبر کوتاه بود، اعدامشان کردند

صفحه ۱۷

تیمارست سالروز ۸ تیر
از میان رفقایمان
تنهارفیقی که دوران قبل از مرگش
لقب کبیر گرفت او بود
صفحه ۱۵



در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● رهنمود به واداران

اطلاعیه امور مالی سازمان به تمام هواداران و نیروهای انقلابی

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

"ما هرگز این حقیقت را کتمان نکرده ایم که بر بنیادی انقلابی "قانونی" قرار گرفته ایم. اینک حکومت به سهم خود شیرنگ بنیاد قانونی را به کناری نهاده است. حکومت خود را بر بنیادی انقلابی قرار داده است، چرا که بنیاد انقلابی هم انقلابی است. (مارکس) رژیم جمهوری اسلامی اکنون تمام نیرنگهای بنیاد قانونی را به کناری نهاده است، حکومت چماق و سرکوب را در خفا با آنها و حتی کارخانه ها بنما پیش گذاشته است. گستاخانه توده های انقلابی را بر کبار مسلسل می بندد. طی چند روز گذشته مدها تن را بخاک و خون کشیده است. کارروائی رژیم به آنجا رسیده که بسی محابا کارگران معترض را در شهرک صنعتی البرز بگلوله می بندد و پادگان حاسی سرما به تظاهرات انقلابی را در خفا بانها بخون می کشند.

حکومت کشتار، شکنجه، ترور، اعدام - های دسته جمعی و زندان را پیشه خود ساخته، هرگونه آزادی را از توده ها سلب کرده است و تنها زبان زور و سرکوب را برگزیده است. حکومت شیرنگ بنیاد قانونی را بکناری نهاده است "چهارم" ضد انقلابی خود را عربان ترنموده است و با قهر ضد انقلابی رودر روی خلق قرار گرفته است.

اکنون با کناره رفتن پرده ها، توهن توده ها نیز بکنار می رود و مردم جبهه های تازه در مبارزه علیه رژیم فریب و دروغ، رژیم برپا کاری و سا لوسی، رژیم تحمیق و سرکوب گشوده میشود و توده ها پیش از پیش بعرضه مبارزه آشکارا رژیم روی می آورند. چشم اندازهای که انتظارش در غیض انقلابی توده ها میرفت، اکنون نمودار میگردد. این غیض نوین و این احیاء مجدد جنبش توده ای، این اوج گیری ناراضی و اعتراض توده ای، نه به سر اساسی خواستها و تقاضای ذهنی این بیا آن گروه بلکه از شرایط عینی پدید می آید که بر کل حیات جامعه و زندگی توده ها حکم فرماست.

بحران سراسرا اقتما در افرا گرفته است. انبوه کارگران، دهقانان و تهیستان بیگزار چهره شهرها و روستاها را غمزه و افسردم نموده است. فشار بحران اقتصادی موجود هر روز زندگی فلاکت با رتری را به توده ها تحمیل میکند. فقر اکنون بصورت پدیده ای عمومی در آمده است. قیمت ها با سرعتی سرسام آورا افزایش می یابند. جیره بندی گالاهای مورد نیاز زحمتکشان و صف های طویل برای خرید این کالاها فشار با زهم بیشتری را بر توده ها تحمیل

میکند. میلیونها آواره جنگی نیز بیخیل در بدران و بیگاران افزوده شده است. یکجنین شرایطی تضادهای طبقاتی را تشدید کرده است. تضاد دنیا نگارگر و سرمایه دار، دهقانان و زمینداران - بزرگ، خرده فروشنده و تاجر با زار هر دم تشدید میشود و در کلیت خود تضاد میان فقر و ثروت هر روز با عدا اجتماعی نوینی می یابد. تمام تلاش محافل ضد انقلابی حاکم در جهت مهار زدن بر این بحران و خامت با ری که پایه های متزلزل رژیم را لرزان تر کرده است، تاکنون بی ثمر مانده است. اوضاع سیاسی موجود نیز بیان چیزی جز با زتاب بحران سیاسی و ابعاد این بحران نیست.

تضاد جناحهای هیئت حاکمه که بر سر بستر این بحران و خیم مدام از شدت و حدت تازه ای برخوردار شده است، اکنون بصورت یک شکاف عمیق بروز کرده است. این امر نه تنها با زتاب بحران اقتصادی موجود، ناراضی توده ها و عدم ارضاء ابتدائی ترین نیازهای آنهاست بلکه از خود ویژگی جا معه ما پس از قیام کمه هما تا کشتن انقلاب و ضد انقلاب بوده - است ناشی میگردد. این خود ویژگی شرایطی را پدید آورده است که در هر انقلاب نیمه گار، انقلاب تکمیل نشده، هنگامی که یکی از دو نیروی انقلاب و ضد انقلاب سلطه قطعی نیافته است، بروز میکند.

توده ها از دست آورده های انقلابی خود دفاع میکنند و ضد انقلاب نیز مدام در پی آن بوده و هست که با فریب و سرکوب این دست آورده را با زپس گیرد. در چنین شرایطی که یک دوران - انقلابی از حیات اجتماعی جامعه را در بر میگیرد و جا معه عرصه کشمکش این دو نیرو است، بحران سیاسی بروز میکند. در چنین شرایطی امکان تحولات سریع و تغییرات عظیم اجتناب ناپذیر است. تاریخ بنا گامهای غول آسا به پیش می رود. دورانی که ما اکنون در آن بسر می بریم سرشار از چنین رخدادها، تحولات و چرخشهای - بسیار سریع بوده است. این تحولات ناشی از بیداری توده ها، کشیده شدن آنها به عرصه مبارزات آشکار و روحیه انقلابی در توده ها است. مقاومت و پایداری توده ها - با علیرغم تمام توهن و اعدا دشمنان به حاکمیت طی دو سال گذشته گویای راستین این واقعیت است، که روحیه انقلابی - همچنان بر توده ها حاکم است و از دست - آورده های انقلابی خود دفاع میکنند. این خود عاملی است که به بحران موجود دامن زده، بر تشدید تضادهای درونی و هیئت حاکمه تا شیری قطعی بر جای گذاشته

و بحران حکومتی را مدام شدت بخشیده است. اکنون پس از گذشت بیش از دو سال از قیام بهمن ماه، دوران نخستین تجربه توده ها در برخورد با ضد انقلاب "ناشناخته" سپری میشود. توده ها پس از اعتمادی چون و چراچ خود به حاکمیت عملا "چهارم" واقعی ضد انقلاب حاکم را در می یابند و در پس هر شما آن، وعده و وعیدهای فریبنده گذشته را می بینند.

اکنون ناراضی توده های مردم، ناراضی ای که ریشه در فقر و فلاکت آنها دارد و چ میگیرد، این یک واقعیت است. گسترش اعتراضات، اعتصابات، در - گیریهای پراکنده، برخوردها و تظاهرات خیابانی یک واقعیت است. پاره پاره شدن جناحهای هیئت حاکمه و رودر روی آنها با یکدیگر نیز یک واقعیت است. خلاصه کلام، جنبش مدام رویا اعتلاست. احیاء نوین اشکال مبارزه آشکار و انقلابی توده ها هم اکنون بعینه آشکار میگردد. شکاف درونی هیئت حاکمه با زهم تشدید میشود و هم اکنون اکثریت توده ها اعتقاد خود را به حقانیت این رژیم از دست داده اند.

اکنون شرایط نوین، شعارهای نوین تا کتیکهای نوین و وظائف نوین را می طلبد. شرایطی فراهم شده است که ما میتوانیم و باید مطرح شعارهایی به پردازیم که مستقیما "حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار دهد. اما این شعارها باید گونه ای انتخاب گردد که منطبق با مرحله کنونی جنبش توده ها، موقعیت هیئت حاکمه، ذهنیت توده ها و صف بندی و توازن نیروهای طبقاتی باشد. بنا بر این هنوز نمیتوان مستقیما "از توده ها سرنگونی قهرآمیز حاکمیت را طلب کرد. بلکه باید از ضعیف ترین و آسیب پذیرترین حلقه آن آغاز نمود. این ضعیف ترین حلقه، بدین معنا که توده ها خود را تجربه روزمره شان آنرا لمس کرده اند و مورد نفرت بخشی عظیمی از توده های مردم است، حزب جمهوری اسلامی است. این حزب مانع رشد مبارزه طبقاتی شده، مدام رودر روی توده ها ایستاده است. این حلقه مناسب ترین هدف ما در لحظه کنونیست. کسی که در لحظه کنونی این مناسب ترین حلقه را در سلسله زنجیره سرنگونی حاکمیت در دست داشته باشد، حلقه های دیگر را نیز در اختیار خواهد گرفت. بنا بر این شعار ما در لحظه کنونی "مرگ بر حزب جمهوری

حول شعار «مرگ بر حزب جمهوری»

اسلامی است. طرح این شعار در شرایط کنونی نه شعاری زودرس و نه دارای خصوصیتی فرمیستی است. از یکسو تنها و تنها اکنون زمان طرح این شعار از هر سو فراهم است. زیرا این شعار اینک، شعاری خودتوده‌هاست. از سوی دیگر طرح این شعار با جهات مختلف در شرایط کنونی نمیتوان شعاری فرمیستی ارزیابی کرد. زیرا «اولاً» طرح این شعار به معنای نفی، نفی کسب حاکمیت نیست. امروز هر کس روشن است که حزب جمهوری اسلامی تنها است که قدرت را در هیئت حاکمه به دست گرفته است. حزب قوای مقننه، اجرائیه و قضایی را در اختیار دارد. حزب تمام پست‌های حساس را در دست خود گرفته است. حزب تمام ارگانهای سرکوب را در اختیار دارد.

بنابراین با توجه به مجموع شرایط حاکم برجسته اکنون باید شعار «مرگ بر حزب جمهوری اسلامی را مطرح کرد» تا کل حاکمیت را مورد سؤال قرار داد. «ثانیاً» طرح این شعار صرفاً کافسی نیست.

امروز همه نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای انقلابی و لیبرالهای ضد انقلابی شما مرگ بر حزب جمهوری اسلامی را می‌پذیرند. پس همزمان با شعار «مرگ...» کدام تاکتیک را باید در لحظه کنونی برای تحقق این شعار برگزید که در همان حال سطح مبارزه توده‌ها را نیز ارتقا بخشد. این تاکتیک باید بتواند با توجه به سطح جنبش توده‌ها، با توجه به توازن نیروها، جنبش توده‌ای را ارتقا بخشد و یک گام انقلاب را جلو سوق دهد و به نحوی ملموس ترو عملی تر حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار دهد.

ما پیش از این گفتیم و امروز بر هر کسی که چشمی برای دیدن داشته باشد، روشن است که انبوهی از توده‌ها اعتقاد و اعتماد خود را نسبت به حکومت از دست داده‌اند. اکنون بی‌اعتباری دولت نزدیک توده‌ها یک واقعیت مسلم است. مجلس شورای اسلامی نیز که تاکنون یک گام عملی در جهت تصویب قوانینی که با زتاب اراده توده‌ها باشد برداشته بود، و صرفاً «در» بحث‌های کمیگ خود ما به تفریح توده‌ها شده بود، اکنون با شرکت در محاکمه بنی صدر و عزل او با زهم بر بی‌اعتباری افزوده می‌شود و همچنین است دستگاه قضایی که در راس آن شهادی بنا نموده‌اند قرار گرفته است.

ما همچنین گفتیم که تفادهای درونی هیئت حاکمه ابعاد بسیار بافته

است و نیز آگاهی که نیروها یا انقلابی هنوز در پراکندگی و ضعف و فقدان پایه توده‌ای نیرومند بسر می‌برند. ما همچنین آگاهیم که هنوز بخشهایی از توده‌های مردم که فاقد آگاهی و شکل لازم هستند به لیبرالها پیوسته‌اند و در چشم دوخته‌اند و خلاصه علیرغم این که بنحوی یعنی از طریق طرح شعار «مرگ بر...» طرح شعار سرنگونی حاکمیت در دستور قرار گرفته است بنا به دلایل مذکور و سطح مبارزات توده‌ها هنوز شرایط لازم برای طرح شعار سرنگونی قهرآميز و برقراری یک حکومت انقلابی فراهم نبوده است. پس با توجه به مجموعه شرایط کدام تاکتیک را باید برگزید: با اعتقاد ما طرح شعار مجلس موسسان مناسب‌ترین شعار لحظه کنونیست زیرا با طرح این شعار عملاً موجودیست رژیم را بر علامت سؤال می‌بریم. در حالیکه هنوز با توجه به مرحله تکامل جنبش توده‌های شعار سرنگونی قهرآميز آنرا طرح نکرده‌ایم. ما با اتخاذ این تاکتیک همچنین قادر خواهیم بود، عملاً لیبرالها را طبع سلاح کنیم، زیرا این بدان معناست که اکنون میتوان در مقابل هرگونه شعاری که خواستار ایجاد رژیم در نظام موجود باشد، قرار گرفت و همزمان با آن مشخص نمائیم که کدام ارگان‌های توده‌ای می‌توانند و باید مجلس موسسان واقعاً «دمکراتیک» و انقلابی را که در بزرگ‌گیرنده تمام پست‌ها و تمام قوا باشد، تضمین کند. ما باید تاکتیکهای فرمیستی لیبرالها را غنشی کنیم و تاکتیکهای که در لحظه کنونی انقلابیست پیش کشیم و بر روی آن تبلیغ کنیم. شرایط امروز ما در مرحله از تکامل خود رسیده است که لیبرالهای رنگارنگ هر یک بنحوی رژیم در رژیم موجود را طرح کرده‌اند. گروهی مسئله رفتن دولت را مطرح کرده‌اند و اخیراً «تیزی» صدراعظم را فرارند و در طرح نمود. اما این شعارهای فرمیستی هدفی جز بهره‌برداری تفریبات در باران نبال نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی و نظام موجود را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. فرارند و بنی صدر چیزی در حد بهره‌ای تغییرات در بالا و جداگانه‌ای تغییرات در مواد قانون اساسی نیست. لیبرالها که از جنبش توده‌ای و خواستهای انقلابی توده‌ها وحشت دارند، می‌کشند که این خواستها را در همین حد محدود کنند. اما ما با طرح شعار مجلس موسسان در لحظه کنونی، تاکتیکهای آنها را نیز غنشی خواهیم کرد.

بنابراین با توجه به شرایط واقعی جنبش انقلابی توده‌ها و با توجه با اینکه توده‌ها از طریق یک سلسله تجربیات به برقراری نظامی انقلابی می‌رسند، اکنون باید شعار مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی را مطرح کرد، اما باید در نظر داشت که مجلس موسسان نه بعنوان هدفی مستقل بلکه تاکتیک انقلابی در لحظه کنونیست. تبلیغ این شعار بدان معنا

نیست که ما به مؤسسات بورژوازی دلخوش کنیم. ما بخوبی آگاهیم که مجلس موسسان از لحاظ تاریخی پدیده‌ای بورژوازیست و عصر با رها نترسیم، عصر نهادهای بورژوازی بسر آمده است. پس این اقدام از لحاظ تاریخی کهنه شده و متعلق به گذشته است. اما این بدان معنا نیست که بطور مشخص نیز که برود خود را از دست داده است. ما با توجه به سطح جنبش توده‌ای و تجربیات توده‌ها که با پدیدار یک سلسله تجربیات تازه نیز بگذرد، پس شعار را بطور مشخص در شرایط کنونی طرح نمی‌کنیم. اما باید در نظر داشت چنانچه ما خود را محدود به این شعار کنیم، در مرحله معینی و در سطح معینی از تکامل جنبش بورژوازی نیز مجلس موسسان را می‌پذیرد و آنرا تکامل ابزارهای سرکوب خود می‌کند. از اینجاست ضرورت طرح شعار شوراهای انقلابی و همزمان با آن تسلیح توده‌ای و تشکیل مجلس توده‌ای، بدون طرح شعار شوراهای انقلابی مجلس موسسان هیچ معنایی نخواهد داشت. لازم برقراری این مجلس شوراهای انقلابی توده‌ای و سازماندهی تسلیح توده‌ایست و الا مجلس موسسان ندر خدمت انقلاب بلکه بعنوان تکامل ابزار سرکوب بورژوازی (ارتش و بوروکراسی) همسفر خواهد کرد. همچنین ما باید در نظر داشت که ما در یک دوران انقلابی و در شرایطی بسر می‌بریم که هر آن بروز تحولات سریع ممکن است شرایطی را پیش آورد که بدون گذار از مجلس موسسان به حکومت انقلابی توده‌ها بی‌نجامد. از همین روست که مسأله باید با توجه به چشم انداز واقع و خود و ویژگی شرایط کنونی در تدارک مقدمات اشکال گام «انقلابی و بسیار عالی جنبش توده‌ای» باشیم و در اساس خود را برای پاسخگویی به جنبش شرایط آماده کنیم. پس می‌بینیم که اگر در شرایط کنونی به خاطر سطح نازل آگاهی انقلابی و شکل توده‌ها، توازن نیروها طبقاً به سطح واقعی جنبش توده‌ای، ذهنیت توده‌ها، نقش محدود شوراهای، نقش لیبرالها و به ویژه بنی صدر، و میزان توهم توده‌ها به حاکمیت، بطرح این شعار می‌پردازیم. این شعار را باید بمنزله پلی برای تشکیل توده‌ها و برقراری نظام انقلابی باشد. بدون توجه به شعار شوراهای انقلابی و تسلیح توده‌ای، این شعار فریبی نیست نخواهد بود. شعار مجلس موسسان هنگامی تاکتیک انقلابی است که همراه با گسترش شوراهای انقلابی و کانونهای دمکراتیک و توده‌ای باشد و آن مجلسی دمکراتیک و حقیقتاً «انقلابی» خواهد بود که متکی به شوراهای توده‌ای باشد. با یک چنین درکی است که ما از نیروهای انقلابی دعوت می‌کنیم حول این شعار متحد شوند و بمنظور ارائه راه‌حلهای عملی توده‌ای، یک پلتفرم اعتماد عملی که بی‌انگروا استهای توده‌ها و مرحله انقلاب ما باشد را ارائه دهند. ما نیز بسهم خود را این راه خواهیم کوشید.

به همت توده‌ها آزادی مطبوعات تامین باید گردد؛ سیاست اختناق نابود باید گردد

قطع دست بکا طریق

گیسه برنج و نصیحت و تادیب برای جهانگوران و استثماریگران

در اوایل خرداد بدستور حجت الاسلام - ایما نی حاکم شرع به شهر دست راست هر بیز صیدا تللو را بطرف جیمی قطع کردند. جانان ما موراجرای حکم "حدرعی بدون اینک عزیز را ببهوش کنند و حتی دست او را بی حس کنند و با رجهها را نگشت او را می برند. بکبار بنا سا طور انگشتانش را روی میز میزنند و وقتی عزیز روی زمین میافتند مجدداً روی موزا شیک انگشتانش را قطع می کنند. مردم به شهر پس از اطلاع از این چنان بت هولناک بکجا رجه در شهر راه میانی کرده و علیه حاکم شرع و جنا بکا را دیگر نظا هرات میکنند.

ما در برخورد به لایحه قصابی هدا را دیدیم که نتیجه اجرای قانون قصابی زنده کردن - دوران بربریت و توحش قبیلها است! ما اعلام کردیم که نتیجه تصویب این لایحه صورت قانونی دادن به اعمال جنابیت - آ میزی است که تا کنون بمورت های نمونه - ای در کرمان و شهرهای دیگر انجام گردیده و با قانونی شدن لایحه قصابی روزی هادست بریده میشود. روزی هادها نفر سنگسار میشوند و روزی هادها نفر در ملا عام اعدام شده با به تازیانه بسته خوا هند شد. و باز هدا را دیدیم که این قانون بها نه ای خواهد بود برای آنکه حاکمان جمهوری اسلامی مخالفین خود را به بها نه اجرای "حدرعی" نابود سازند. اینک نمونه به شهرها هدمتالیسی است بر آنچه ما پیش بینی کردیم. مطالعه مما حبه ای که خبرنگار رکبهان در ۱۹ خرداد با عزیز صیدا تللو هم چنین حاکم شرع به شهر بعمل آورده است بسیار از حقایق را در اینباره روشن میکند.

سودشت

روزها نهم خرداد در فوردون میگرد عراقی در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روستا های تهر بت و مردان و بیوزی در منطقه لان را به راکت و گالیبر هفتا دو پنج بستند که در این بمبارانها در روستای تی بت یک نفر کشته و یک نفر زخمی شد در روستای مردان نیز یک تن زخمی شد. حملات رژیم عراق به روستا های کردستان ایران - ما هیت سرکوبگران هدا نقلابی رژیم بعثت را آشکارا تر می نماید.

(نقل از سومین شماره خبرنامه بیکان)

مما حبه دارای چنینان نکاتی است که هر کدام میتواند مضمون مقاله ای جداگانه در نا شید ما هیت فدمرد می رژیم باشد. ولی ما تنها بدونکته آن بر خورد می کنیم تا واقعیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی پیش از پیش بر هموطنان مبارز ما روشن شود.

از مما حبه بر میآید که سه جوان خیماله وارد اشرار استیمال و فقر شدید برای اولین بار مبادرت به سرقت یک کیسه برنج ۹۰ قوطی روغن نباتی و یک کیسه پودر رختشویی میکنند که تا بدقیقت مجموع آن به هزار تومان نرسد. پس از دستگیری آنان همه اموال را تا دینار آخر تحویل داده و اظهار تداومت میکنند. مدت دو ماه و پنج روز هم در زندان میمانند و پس از آن توسط با زهرین ها اگستری با قرار آزاد می شوند. ۲۵ روز بعد از آزادی آنها در گلو - گاه بهین پاسداران و مردم درگیری به وجود می آید و سه روز پس از آن عزیز صیدانلو در رابطه با این درگیری توسط پاسداران بازداشت میشود. دادگاه انقلاب کسه اصولاً ما مورسیدگی به پرونده سرقت برنج نبوده است سه روز بعد عزیز را با تمام سرقت به قطع چهار انگشت دست راست محکوم میکنند در حالیکه دو نفر دیگر که هم جرم او بودند حتی با دادگاه انقلاب احضار هم نمیشوند. با این ترتیب کلا "روشن است که مسئله سرقت یک کیسه برنج چند قوطی روغن نباتی تنها بها نه ای بوده و حاکم شرع بکا طرفگرفتن زهر چشم از هرات نکس که با جمهوری اسلامی مخالفت کند عزیز را محکوم به قطع انگشتان دست نموده و حکم را به طرز فجیمی در باره او اجرا میکند.

مسئله دیگر اینک همین حاکم شرع که با دعای خودش بکا طریق کیسه برنج چند قوطی روغن نباتی انگشتان دست یک

جوان زابا قسوت و سنگدلی قطع میکنند و او را برای همیشه از جامعه طرد و زندگنی را از او وزن و بجهاش سلب می کنند. عمل جها نخواران امپریالیسم و استثماریگران زالمومت را که میلیاردها تومان دسترنج مردم زحمتکش ما را غارت میکنند، دزدی - نمیدانند. این حاکم شرع در مقابل سؤال خبرنگار که میبیرسد: "با دزدان بزرگی ما نندا مر بکا چه با بد کرد... آیا اینها سارق به حساب نمی آید، دستشان نباید قطع شود؟" میگوید: "خبر اینها سارق به حساب نمی آید" و بطور ضمنی میگوید اگر آنها کار خلاصی کرده باشند ما دستها نه آنها برسد آنها را تادیب می کنیم.

با این ترتیب می بینیم همین حاکم شرع که دزدان بزرگی چون امپریالیسم امپریا و استثماریگران را تطهیر کرده و آنها را سارق نمیدانند، بلکه در دفاع از سرمایه - داران و مالکین سینه جاک میدهد و قشکیه میگوید: "قطع بد بکنفر جلو هزاران سرقت را میگیرد... یعنی دزدیها از بین میروند و امنیت از نظر مالی برقرار میشود و گفتنی است که مضمون این سخنان را آیت الله بهشتی در دفاع از لایحه قصابی و در دفاع از تقصیر مالکیت تکرار میکنند!

این اعمال و این سخنان نمایانگر آنست که سردمداران جمهوری اسلامی برای امنیت سرمایه که کسانیا که حتی برای مرار معاش و بهیروای جلوگیری از مرگ ناشی از گرسنگی یک کیسه برنج سرقت میکنند - مستحق مجازات دانسته و دستشان را قطع کرده و از زندگنی با قوت میکنند. اینست بهشتی که آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی به مردم ایران وعده داده اند و اینست آن "عدالت اسلامی" که آنها میخواهند در گورستان "امنیت مالی و سرمایه" برقرار کنند!

یادشدهای تیرماه

بقیه از صفحه ۲۰

- ✦ محمد علی خسروی اردبیلی
- ✦ نزهت السادات روحی آهنگران
- ✦ محمد عظیمی بلوریان
- ✦ کاظم سلاحی ✦ مارتیک قازاریان
- ✦ یدالله زارع کاریزی ✦ سیمین توکلی
- ✦ نادره احمد هاشمی ✦ مریم شاهی
- ✦ بهزاد امیری دوان ✦ حمید اشرف
- ✦ افسر السادات حسینی ✦ حمید آرین
- ✦ حمید ژبان کرمانی ✦ نادعلی پورنغمه
- ✦ پرویز حقگو ✦ غلامرضا جلالی
- ✦ اسماعیل نریمسا

- ✦ محمد مهدی فوقانی
- ✦ عسگر حسینی ابرده
- ✦ فاطمه حسینی
- ✦ طاهره خرم
- ✦ به معاصره - ساواک در آمدند و پس از نبرد قهرمانانه در محله مهرآباد جنوبی، به شهادت رسیدند. تیرماه، علاوه بر این شهدا، نام و یاد فدائیان دیگری را نیز بر پیشانی دارد که در سالهای مختلف در این ماه به شهادت رسیده اند. رفقا.
- ✦ احمد خرم آبادی ✦ نسترن آل آقا
- ✦ کاظم غیرائی ✦ گلرخ مهدوی

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مبارزه پیروزمند کارگران کارخانه سرامیک البرز

بدنبال عدم اجراء قول مدیر عامل در مورد افزایش دستمزد کارگران به میزان ۴۰ تومان، کارگران در یک مجمع عمومی خواستار حضور هیئت مدیره و رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند. کارگران خواسته‌های خود را در صورت عدم پرداخت ۴۰ تومان اضافه دستمزد در ۹ ماهه تنظیم و به شرح زیر در مجمع عمومی مطرح کردند:

- ۱- دادن اضافه کار مقطوع و ثابت و زیاده‌گردن حق. ممکن در حد کارخانه‌های دیگر شهر صنعتی البرز.
- ۲- افزایش وام کارگران.
- ۳- ۱۵٪ زوجه‌های جنین و تنولید در اختیار کارگران قرار گیرد.
- ۴- حقوق کارگران کارخانه برابر حقوق کارگران کارخانه‌های مشابه، مثل کاشی سعدی، کاشی اصفهان، کاشی نیلو، کاشی پارس و... گردد.
- ۵- حقوق کارگران جدید جهت آزمایش افزایش باشد.
- ۶- هزینه معاش و زندگی کارگران تامین شود.
- ۷- مسئولیت هیئت مدیره مشخص شود و فقط اعضاء کننده نباشد.
- ۸- یک نفر از کارگران به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب و در جلسات هیئت مدیره شرکت کند.
- ۹- در صورت مخالفت با خواسته‌های خود هیئت مدیره استعفا دهد تا کارخانه با نظام شورائی اداره گردد.
- هیئت مدیره ابتدا خواست با وعده و

جنبش کارگری



و تعداد کارگران را بر فربید، سپس گفت ما اجازه موافقت با این خواسته‌ها را نداریم کارگران، هیئت مدیره را گروه‌گانه گرفتند و شب در کارخانه نگهبان شدند. رژیم جمهوری اسلامی پاسداران را به حمایت از هیئت مدیره به کارخانه فرستاد. در مقابل اعتراضات کارگران، پاسداران مجبور شدند کارخانه را ترک کنند. بعد از ظهر روز بعد جلسه‌ای با حضور هیئت مدیره و رئیس سبزه پاسداران تشکیل شد. در این جلسه با ۴ خواست اول کارگران موافقت شد. در رابطه با شرکت نماینده کارگران در جلسات هیئت مدیره قرار شد در جلسه مجمع عمومی هیئت مدیره مطرح گردد. بقیه خواسته‌ها موقوف به تعیین تکلیف از وزارت کار شد. مبارزه پیگیرانه کارگران سرامیک نشان داد که توسل به فریب و سرکوب قادر نیست کارگران را از مبارزه بازدارد. اما در مورد شرکت نماینده کارگران در هیئت مدیره، کارگران سرامیک با یک توضیح دادیم نماینده کارگران نه به عنوان عضو هیئت مدیره، بلکه بعنوان نماینده کارگران، بر کار مدیریت کنترل و نظارت باید داشته باشد.

اجتماع کارگران «پی ساخت»

در مقابل مجلس برای دریافت حقوق عقب مانده خود

حدود ۱۵۰ تن از کارگران شرکت «پی ساخت» در مقابل مجلس اجتماع کرده و خواستار حقوق عقب مانده خویش بودند. در پی جنگ ارتجاعی و نااماندن دولت‌های فداغلی ایران و عراق، شرکت ساخت پی ساخت در خرمشهر، همچنان با بر مراکز صنعتی و اشتغال منقطع شد. اشتغال مناطق جنگ زده، تعطیل شد و پیش از چهار رمدن از کارگران آن علاوه بر خانه خرابی و در برداری، بیگانه‌تر شد. کارگران به منظور روشن شدن وضع خود و همچنین دریافت حقوق دست به اقدام زده، در وهله اول نمایندگان از میان خود انتخاب کردند و بدنبال آن نمایندگان در جهت پیگیری خواسته‌های کارگران به تمام ادارات و مسئولان ذیربط مراجعه کردند اما نتوانستند بعد از ماهها دوندگی یکماه از حقوق عقب افتاده کارگران را بگیرند. کارگران که به توجیه کارکنان پیش از حد و کمتر شکستن ما بحثا چزندگی، در مضیقه قرار گرفته بودند به طور دسته جمعی اقدام کرده و برای گرفتن حقوق خود و تعیین تکلیف اساسی از روز بیست و چهارم خرداد به تهران آمده در مقابل مجلس اجتماع کردند.

یکی از کارگران درباره خواسته‌ها به بیان و عکس العمل مسئولان می‌گفت: «ما چهار رمدن فرم بیشتریم، از اول جنگ تعمیلی بیگانه شدیم. فقط حقوق برچماه شهریور به ما دادند و بقیه اش هیچی. ما لا هم اندیم اینجا می‌گویند حقوق های عقب افتاده ما را می‌دهند ما به یک شرط ایسه این شرط که توبه حساب کنیم، یعنی ۹ ماه حقوق را بگیریم و برویم بی کارمان اما ما قبول نمی‌کنیم، ما هم ۹ ماه حقوق عقب افتاده را می‌خواهیم و هم اینکه به عنوان کارگر شرکت حساب شویم و همچنان ما می‌دهند از تومان به ما بدهند، و کار هم حاضریم بکنیم». کارگران ضمن مخالفت شدید به پیشنهاد دولت تصمیم دارند، تا گرفتن نتیجه‌ای قطعی، هر روز در مقابل مجلس اجتماع کنند.

به ضرورت تشکیل کمیته پیوند حسن اتحاد و همبستگی میان کارگران گسترش می‌یابد. آنها با بدبیا رزه بی‌مان، بی‌بگیر و متعده را جهت تشکیل شورای انقلابی به پیش بردند. کارگران ارج قادر خواهند بود نیروی پراکنده و متفرق خود را در شورای انقلابی متمرکز کنند و پیروزی در مبارزه جهت تامین حقوق واقعی خویش را تضمین نمایند.

اعتصاب کارگران ارج، جلوه‌ای از مبارزه جونی و همبستگی کارگران

گردانند. روز دوشنبه (۲۵) مدیریست دوباره در اطلاعیه دیگر خواهان با زیر نفعت ۳۶۰۰ تومان گشت، اعتبار تمام کارخانه را فرا گرفت. کارگران مدیر را به گروه‌گانه گرفتند. پاسداران به کارخانه هجوم آوردند. آنها با حمله بطرف کارگران تلاش می‌کردند. مدیر را از جنگ کارگران در آوردند اما تا کام شدند اعتبار روز سه شنبه ادامه یافت و کارگران در یک مجمع عمومی با افشای نمایندگان سازشکاران و راه‌آورداریه استعفا نمودند. اعتبار تا ظهر چهارشنبه ادامه یافت کارگران تصمیم گرفتند که از روز سه شنبه جلوی خروج تنولید را بگیرند و نمایندگان خود را انتخاب کنند کارگران مبارزان در پی همین مبارزه جهت تامین خواسته‌های خود هر چه بیشتر

کارگران ارج که در پی مبارزات طولانی موفق شده بودند سود ویژه و عیدی و پاداش سال ۵۹ را بگیرند جدیداً «مدیر عامل طی بخشنامه‌ای خواسته است که "افزایه پرداخت، پاداش و عیدی سال ۵۹" را از دستمزد ما ها نه کارگران کم کنند. کارگران پس از دوباره اعتبار مصمم اند جلوی خروج تنولید را بگیرند. روز چهارشنبه در پی اطلاعیه مدیریت و حمایت شورای سازشکاران اعتراضی بالا گرفت. کارگران قسمت موزنتا ژوپرسی دست به اعتصاب زدند و در پی آن اعتبار تمام کارخانه را فرا گرفت. در مجمع عمومی که با شرکت کارگران تشکیل شد مدیریت و اعضای سازشکاران را با فریب، کارگران را به سرکار رساند

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

احیای از شرکت واحد

کارگران تعمیرگاه ۲ شرکت واحد با اتحاد یکپارچه خود توطئه اخراج نماینده شورا را خنثی کردند.

روزیگنشیبه ۳/۳ از طرف زرین زلف، رئیس هیئت مدیره و گرداننده اصلی انجمن اسلامی حکم اخراج یکی از نمایندگان شورا صادر شد. کارگران بمحض شنیدن این خبر دست از کار کشیده و خواستار تشکیل جلسه ای برای روشن شدن علت اخراج نماینده شورا شدند. در جلسه زرین زلف اظهار داشت بمن گزارش داده شده که او کمونیست است. کارگران گفتند اولاً بر طبق ماده ۱۳ قانون اساسی هر نوع تفتیش عقاید ممنوع است. ثانیاً گزارش دهندگان را بما معرفی کنید. شما حق ندارید کسی را باخطی عقیده اش بیرون کنید. در این موقع موج اعتراض کارگران به زرین زلف بالا گرفت. صحبتها نماینده اخراجی شورا با استقبال شدید کارگران روبهوشد یکی از نمایندگان شورا ضمن صحبت ها پیش گفت "ما دیگر گردوران اختناق شاهنشاهی باز نمیگردیم. شورا سوگند یاد کرده که از اخراج، زندان و حتی اعدام ترسد. مدها هزار کشته و معلول بنا طراپس بود که دیگر نترسیم و اجازه ندهیم اختناق و خفقان بر ما حاکم شود. و گفت شورا یک نهاد انقلابی است و هیچکس حق ندارد با آن مخالفت کند. شورا تبلور اتحاد دو یکپارچگی کارگران است. مثلاً کارگران اگر خود من را نخواستند، مرا برکت نمیکنند و کسی دیگری بما ایم انتخاب خواهد شد. بنا بر گزارش چند نفر مفت خور هیچ مقامی حق ندارند نماینده شورا را اخراج کنند. کارگران با کف زدن صحبتهای نماینده را تا شاید می کنند. زرین زلف که اوضاع را نامناسب دید تصمیم به فرار گرفت ولی کارگران مانع فرار او شدند. بالاخره او که راه به جایی نداشت گفت اگر چند نفر کارگر قدیمی شما دست بدهند که او کمونیست نیست او را به سرکار ببر میگردد. در این موقع کلیه کارگران قدیمی دستشان را بلند کردند. بهایسن ترتیب توطئه زرین زلف این کارگران سرمایه داران در مقابل اتحاد کارگران نقش بر آب شد.

دوستان کارگر، دولت بجای مشکلات کارگران و پسا سخکونی به خواست های آنها با اقدامات ضد کارگری خود به مقابله با آنها برخاسته. در حال حاضر در کارخانه ها برای سرکوبی مبارزات سر حق کارگران و ایجاد اختناق و خفقان و در نتیجه محیط امنی که سرمایه داران بر احاطه بتوانند به غارت کارگران بپردازند، دست به اخراج کارگران پیشرو و آگاه میزنند. در این زمینه انجمنهای اسلامی به عنوان جاسوسان حزب جمهوری اسلامی عمل میکنند و با شناسایی کارگران پیشرو و آگاه و اخراج آنها میخواهند جلوی مبارزات

خواستهای کارگران شرکت واحد... نقش شورا و انجمن اسلامی

شورای تعمیرگاه شماره ۴ طی اطلاعیه ای از هیئت مدیره و رئیس تعمیرگاه درخواست کرد که در روز ۳/۱۲/۶۰ ساعت ۲ بعد از ظهر در مجمع عمومی کارگران شرکت کنند و به مسائل و مشکلات کارگران پاسخ دهند. رأس ساعت مقرر، کارگران در نماز رگوری جمع میشوند. هیئت مدیره از شرکت در مجمع خودداری میکند. تا آمدن رئیس تعمیرگاه، کارگران و نماینده شورا در مورد مسائل و مشکلات صحبت میکنند سپس خواستهای کارگران در ۱۳ ماده تنظیم میشود.

- ۱- رسمی شدن کارگران جدید - ۲- بر چیده شدن بساط تفتیش عقاید - ۳- از دستزد کارگران چه بد نما بد مالیات کسر شود - ۴- تشکیل کمیسیون فنی برای ۱۵ متبنا زیبا و برداشتن شرط سرپرستی و استادکار ریبرای آنها - ۵- دادن کمک مالی به فروشگاه تعاونی برای لایزیدن قدرت خرید فروشگاه تعاونی - ۶- ایجاد محیط سالم و بهداشتی در تعمیرگاه - ۷- پرداخت ۶۲ روزه بی، دادن ۲ قالب مابون در هر ماه - ۸- دادن یک شیر روزانه به هر نفر مطابق پیمان دسته جمعی - ۸- ۹- دادن کمک مالی به کارگرانی که در خرگوش دره زمین گرفتار اند و به علت عدم وسع مالی ساختن نشانه نمای مانده - ۱۰- دادن حقوق و مزایای مساوی به رانندگان تعمیرگاه مطابق با خطوط - ۱۱-

از بهره وری کار مالیات کسر شود - ۱۲- تشکیل کمیسیون فوق العاده فنی برای کارگرانیکه امتیاز لازم برای ارتقاء ندارند - ۱۳- جلوگیری از اخراج چینی رویه کارگران.

بعد از فراغت خواستهای کارگران رئیس تعمیرگاه گفت: "سعی میکنم مشکلات و مسائل شما را با همکاری شورا و انجمن اسلامی حل کنیم". بدین ترتیب او که در مقابل قدرت متحد کارگران مجبور به عقب نشینی است، میکوشد انجمن اسلامی را که بعلمت مجموعه عملکردهای ارتجاعی، ضد مومکراتیک و ضد کارگریش مورد تفسیر کارگران است، بعنوان یک ارگان رسمی معرفی کرده و کارگران را بدان جلب نماید. اما کارگران یکپارچه به رئیس تعمیرگاه اعتراض کردند. آنها که با توجه آن به ما هیئت ضد کارگری آن پی برده اند می گفتند: "فقط شورا حق دارد در کارها دخالت کند ما شورا را خودمان انتخاب کرده ایم ولی تمییدانیم انجمن اسلامی بر طبق چه والی انتخاب شده. انجمن اسلامی فقط باید به مسائل مذهبی کارگران بپردازد. کارگران به صحبتهای نماینده انجمن اسلامی که میخواست با صحبتهای همیشگی خود، آنها را فریب داده و از مبارزه در راه رسیدن به خواستهایشان بازدارد، توجهی نکرده و جلسه را ترک کردند.

مبارزات کارگران در مقابل تعطیل مجتمع صنایع فولاد

رژیم جمهوری اسلامی که همواره از رشد مبارزات توده ها هراس است، اخیراً مجتمع صنایع فولاد را با تعطیلی کشاند و در پی آن کوشید تا با ایجاد تفرقه در بین کارگران از شکل آنان جلوگیری کرده و جلوی رشد مبارزات آنان را سد نماید. شاخه سا زمان در خوزستان که از ابتسدا بسوسیه علامیه ها و تراکتها ی خود کارگران را از این توطئه شوم رژیم آگاه کرده بود، طی اعلامیه ای بتاریخ زده خردا دضمن افشای اطلاعیه سولویانی رئیس مزدور - مجتمع صنایع فولاد که هدفی جز ایجاد پراکنندگی در بین کارگران نداشت از کارگران - مبارز خواست تا مبارزه پیگیر علیه مفاد اطلاعیه مذکور با شکل خود، توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را خنثی کنند. در پی

این تصمیم ضد کارگری رژیم که چیزی جز ادا مسمیتهای قبلی اش نبود، کارکنان مجتمع تصمیم به مقابله با این سیاستها را گرفته و طی گردمانیها و راهپیمائیهای درین واحد اعمال حاکمیت را محکوم نموده و نماینده گانی برای دفاع از حقوق خود انتخاب کردند. این نمایندگان طی نشست های متوالی، اطلاعیه ای صادر کرده و خواستهای خود را مبتنی بر جلوگیری از تعطیل شدن مجتمع، مما نعت از هرگونه کاهش حقوق و دستمزد کارکنان، نظارت و مشاورت مجتمع نمایندگان در طرحها و برنامهای مجتمع را مطرح کردند و اعلام نمودند که مبارزات خود را تا رسیدن به خواستهای برحقشان ممصمانه ادامه خواهند داد.

راه کارگران آگاه و شوراها ی مترقی باید مبارزات کارگران را در کانال صحیح انداخته و رهبری کنند.

کارگران را سد کنند. کارگران نیز باید با اتحاد و همبستگی خود به مقابله با این اقدامات ضد کارگری بپردازند. در این

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

نقل از پیشنهاد، نشریه کارگران

پیشرو صنعت نفت

پیرامون هشتمین اجلاس

سراسری شوراهای صنعت

نفت، پنجم و ششم اردیبهشت

در شیراز

در هشتمین جلسه سراسری شوراهای - صنعت نفت که در شیراز برگزار میگردد به شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای متحد پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای عملیات پالایشگاه تبریز، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای کارکنان امور بازرگانی شوراهای خدمات کامپیوتر فوردا شدند. همزمان با تشکیل این جلسات در پالایشگاه شیراز، حرکت اعتراضی کارکنان پالایشگاه نیز در شرف شکلگیری بود. این حرکت با صدور قطعنامه‌ای از تحمیل کارگران - پالایشگاه نفت، اما نمایندگان شوراهای عملیات پالایشگاه تهران، نمایندگان تبریز و نمایندگان خدمات کامپیوتر - بعنوان اعتراض به حرکت کارکنان پالایشگاه شیراز و حضور و نفرز نمایندگان آنها در جلسه سراسری برای توضیح و روشن نمودن زوایای این حرکت، جلسه را ترک نمودند. این حرکت از جانب نمایندگان شیراز، اصفهان و امور بازرگانی، مورد انتقاد قرار گرفت و در اجلاس فوق العاده این شوراهای نیز این نقیصه بر طرف گردید. از نظر ما نیز این حرکت نمایندگان تهران و تبریز و کامپیوتر غیر اصولی ارزیابی میشود و از نظر ما این حرکت منطبق با منافع کارکنان صنعت نفت نبود و در آن ملاحظات تنگ نظرانه افرادی عمل کرده است که ضرورت یکپارچگی و وحدت طبقه کارگر ایران را در شرایط فعلی احساس نمایی کنند و مقدم بر آن ضرورت وحدت و یکپارچگی کارگران صنعتی بویژه صنعت نفت را - فراموش نموده و از افشای منافع و افشای شخصی و غیره می‌نمایند. آنها اولاً به این اهمیت ننشده‌اند که تصمیم به اعتراض در پالایشگاه شیراز مورد قبول و تأیید اکثریت قریب به اتفاق کارکنان یک

بخش قرار گرفته و مورد پشتیبانی دیگران نیز هست. آنها به این مسئله توجه ندارند که، زمینه‌ها مناسب برای شکلگیری یک حرکت اعتراضی جدا از تظاهرات و هیئتها آنها، بطور عینی و مادی در جامعه فراهم شده و آنها چه بخواهند و چه نخواهند از آزاده‌ها این اعتراضات شکل گرفته و در جریان است. آنها نمی‌فهمند که این حرکات نه تنها در پالایشگاه شیراز بلکه در سطح جامعه به صورت گوناگون وجود دارد. امروز اگر کارکنان پالایشگاه شیراز - مسئله مسکن را بعنوان یک مشکل مطرح میکنند، این مشکل آنها به تنهایی نیست بلکه مشکل هزار کارگر و زحمتکش - دیگری است که در اطراف میهن - مسکن برکنده اند و از این محضبت رنج می‌برند. (نمایندگان تهران نماینده تحمیل ۲/۵ - ساغه در پالایشگاه تهران بخاطر مسکن را فراموش کرده باشند) همینطور اگر - تعدیل حقوق، پاکسازی، انحلال اداره - با زور، مرخصی، بهداشت و درمان و حقوق شوراهای مورد مطالبه قرار می‌گیرد، اینها یا خسته و پوداخته ذهن مشتاقان ما چرا جو نیست که مورد تأکید اکثریت کارکنان هم قرار می‌گیرد. اینها واقعیت‌های ناشی از واقعیت اقتصادی و سیاسی جامعه ما است.

وقتی گران، بیگاری، تورم، بی‌خانمانی ... به عین وجود دارد و او را بر آن هم نمی‌توان فرار کرد، بر آن چشم بست، وقتی که مردم ما از این مسائل رنج می‌برند و به انواع مختلف واکنش نشان می‌دهند، وقتی به سرعت با یکا توده‌ها می‌رویم به خاطر بسیاری از این مشکلات که عموماً بسی جواب مانده در برابر چشم ما تضعیف میشود، وقتی حتی لیبرال‌ها و فداانقلاب شکست خورده نیز میکوشند با استفاده از این تابساتی با وعده و وعید راهی در دل توده‌ها بجویند، با زهد دعوت کردن توده‌ها به مبارزه، تعیل این مطالب، به بی‌تحریکی و بی‌عملی هیچ معنای دیگری جز تسلیم در برابر بربر و زوری، و تا مین فرصت برای فداانقلاب تا بتواند با قدرت به سرکوب خلق بپردازد نخواهد بود. وقتی کارکنان جلوشم خود می‌بینند که کمیته پاکسازی عناصر انقلابی را هدف قرار داده و فداانقلاب شناخته شده را رها می‌سازد و مدای اعتراضشان را علیه این خیانت آشکارا ریلند میکنند، مخالفت با آنها، موافقت با خائنین و قرار گرفتن در کنار دشمنان طبقه کارگر است. از این رومای اعتقاد داریم که تصمیم شوراهای - مذکور به ترک جلسه به عنوان اعتراض غیر اصولی بوده و از نظر کارگران پیشرو - صنعت نفت محکوم است. گمانی که در حرف شیعا و وحدت شوراهای سراسری صنعت نفت و تشکیل اتحادیه شوراهای سراسری را می‌دهند، در عمل خود به حرکات انحلال - طلبانه و تفرقه افکنانه دست می‌زنند - مناسبتاً دقتی نیستند که بتوانند هدف - درست و اصولی اتحادیه شوراهای را متعقیب نموده و عملی سازند. کارکنان پالایشگاه شیراز و اصفهان و تهران که خود مدتهاست از تنگ نظری و گروهبان‌های شوراهای متعصبان - این پالایشگاه که مانع تحقق شورای - مرکزی تهران شده رنج می‌برند، حقدارند

و لازم است بر اساس این تجربه تلخ از نمایندگان شوراهای خود به خاطر این خود سری و حرکات نادرست توضیح بخواهند و آنها موظف هستند در یک مجمع عمومی به خطای خود اعتراف نموده و عملاً تمهید خود را در تا مین وحدت کارگران صنعت نفت از طریق شوراهای سراسری به اثبات رسانند.

شوراهای صنعت نفت

خواسته‌های کارمندان پالایشگاه - شیراز را مورد حمایت و تأیید قرار داد. جلسه فوق العاده سراسری شوراهای صنعت نفت، در اعلامیه مورخ ۶۰/۲/۱۹ خود خواسته‌های شوراهای کارمندان پالایشگاه شیراز را اصولی دانسته و مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. لازم به توضیح است نمایندگان پالایشگاه تهران گمانی که در زمان شکلگیری حرکت اعتراضی در شیراز به سر (۶۰/۲/۵) می‌برند، حرکت کارکنان آنها را مورد تأیید قرار نمی‌دادند. بنا - بر این اجلاس سراسری شوراهای صنعت نفت این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و نمایندگان تهران گزارش خود را درباره مسائل که در شیراز گذشته بود به مجمع دادند، نمایندگان شوراهای دیگر نیز مطالبی عنوان کردند، نتیجتاً خواسته‌های کارکنان پالایشگاه شیراز تأیید شد. در صورت جلسه در این باره تأکید میکنند که:

از کلیه خواسته‌های اصولی کارکنان پالایشگاه شیراز (۶۰/۲/۱۲) که خواسته‌های ما شوراهای تبریز می‌باشد حمایت میشود. در ضمن کمیته مشترکی از شوراهای سراسری برای پیگیری و اعلام نتیجه مطالب مندرج در صورت جلسه تشکیل شد. در این گردهمایی شوراهای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای اداره بازرگانی تهران، شوراهای اداره کامپیوتر تهران، شرکت داشتند.

نوع جدید مخالفت

در نمايش مضحك بحث آزاد در باره لایحه قضایی قصابی دیدیم که یکی از ما حب نظران به عنوان مخالف با لایحه در بحث شرکت کرد. اما معلوم شد مخالفت وی برای این پایه است که این لایحه اساساً "تباهی به تصویب مجلس ندارد - زیرا تصویب شده الهی است!!" در جلسه بحث پیرامون زمینیه چینی برای عزل بنی صدر - آیت‌الله مجلس به عنوان مخالف با لایحه "عدم کفایت بنی صدر" ثبت نام کرد و در مقابل تعجب دوستان و متجمله رئیس مجلس گفت این لایحه تباهی به تصویب ندارد - بدیهی است!!

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

بررسی و تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته

(۴)

ما در شماره های گذشته "کار" جنبش طبقه کارگر ایران را در یکسال گذشته بطور جامعی بررسی نمودیم. اکنون می‌کشیم به برخی از جنبه های این جنبش پرداخته و آنرا دقیقتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

الف: فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خوبش مبارزات فزاینده و پرولتاریای ایران را نشان میدهد، اما بدون شک بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرک مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در یک بازنگاری میتوان گفت که تحولات سیاسی و اقتصادی با اجتماع همو تا شریکسازی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنگ... میتوان این تا شریک را در افت و یا تمهید و حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنگ ناآگاهانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تا شریک را بر مبارزات کارگران بجای گذاشت. از سویی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورده و از تحرک مبارزاتی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکی از قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخش از طبقه کارگر میهنها با اثرات مهمی بجای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پرولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است، ابتدا افت نموده و سپس همراه با خیل زحمتکشان آوار و منطقه جنگی عمدتاً برای تحقق بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تغییر سمت داد.

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به درهم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و... غیره که خود نتیجه ساخت و بستن صنایع ایران است، متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیش از سایر بخشها وجود داشته است. این امر علاوه بر وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیکاران که ناشی از متوقف ماندن پروژه های صنعتی، ساختن، کشش و صنعتها و... غیره میباشد، خطر بیکاری را

در این بخش از صنایع بسیار محتمل مینماید. بهمین دلیل ترس دائمی از دست دادن کارمندان با فقر و گرسنگی عامل بازدارنده ای در تحرک مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان در قسمتی از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز، گروه صنعتی سایپا، بنزخا و... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارا هستند دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سرعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع و باقیه دید. بدین ترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انجام رفیهای سطحی مانع تحرک مبارزاتی کارگران این بخش و اعتدال مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بحرات میتوان گفت که در مدت تولید بدلیل وجود تقاضای برای کالاها و این بخش و بسا از فروش یا در سطح گذشته باقی مانده و یا حتی سیر افزایش یافته داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحرک مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده اند. لیکن سوددهی بالایی این بخش عکس نشینی سرما به داران را در برابر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلیور، بوتسان، پلاستی ران، درخشان، سیمان، مهران، پرنسیت و... غیره این وضع مشاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینسی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخصاً در مبارزات کارگران نقش داشته اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سطح مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح شکل کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریتهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران بعهده دارد. در درون کارخانجات مختلف میتوان تا شریک این عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیری بودن و جسود شکل و... غیره بخوبی مشاهده نمود. اما از این زاویه بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تکامل ناموزون مبارزات طبقه کارگر را در مناطق گوناگون صنعتی

کشور نیز مشخص میباشد. بدین ترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات دولتی، تعداد کارگران و رابطه نزدیکی آنها با روستا و تا شریک آن در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی بکار گرفته شده و... غیره مبارزات کارگران از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلاً بطور عامی مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران، تا شریک را تا شریک را با مبارزات کارگران سا بر مناطق چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگیرد.

ب: مضمون و اشکال مبارزات کارگران

یک بررسی کلی از جنبش کارگری مشخص میکند که طبقه کارگر دو وجه از مبارزه یعنی مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی را در دوره پیش تواماً به پیش برده است. و دقیقاً این تلفیق و درهم آمیختن مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران نشانگر قدرت و توانایی جنبش کارگری است. مبارزه همیشگی، پرولتاریا برای بهبود شرایط کار علاوه بر کوشش بورژوازی حاکم برای انتقال اثرات بحران تعمیق یافته اقتصاد به کارگران که بطور غیر مستقیم به کاهش دستمزدها و شرایط کار منجر میشود، خواسته های فوری اقتصادی را در دستور مبارزات کارگران قرار میدهد. از سویی دیگر کوشش بورژوازی برای تشبیهت کامل خویش و شکست قطعی انقلاب که بطور ناگزیری مستلزم محو نا بود کردن دستاوردهای دموکراتیک قیام میباشد، مبارزات سیاسی در زمینه خواسته های دموکراتیک را فراروی کارگران قرار داده است. بدین ترتیب در روند مبارزات کارگران خواسته های فوری از جمله خواسته های اقتصادی و مطالبات دموکراتیک در زمینه سیاسی میباشد. و این در حالیکه که مبارزه سیاسی لیستی در سطحی بسیار کم رنگ در میان کارگران جریان داشته است.

در اینجا نیز مضمون مبارزه کارگران تا شریک را فوق العاده ای از عوامل ذهنی پیش گفته دارد. چنانکه عملکرد این عوامل بطور مشخص نشان میدهد که مضمون سیاسی مبارزات کارگران در مناطقی چون جنوب و تهریز در یک دوره از برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در حالی که مثلاً در شهرک صنعتی قزوین بدلیل جدید بودن صنایع در آن منطقه، ارتباط قوی کارگران با روستا و... وجه غالب مبارزات کارگران را مبارزات اقتصادی تشکیل میدهد. البته این بدان مفهوم نیست که در اینجا مبارزه سیاسی جریان ندارد، چرا که در شرایط

طبقه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

رهنمود به هواداران فعالیت تبلیغی خود را شدت بخشید

۴- تمامی رفقا با بدبهر وسیله ممکن اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان و همچنین مقالات نشریه کار را به وسیله تبلیغی شکل ممکن تکثیر کنند و از این طریق تیراژ نشریات سازمانی را بالا ببرند. رفقا! تهیه دست‌نویس، درشت‌نویسهای مقوایی، تکثیر توسط پلی‌کپی‌های دستی (چهارچوب تکثیر) همه و همه وسیله‌ها و ابزارها هستند که می‌توانند در خوبی با کمی ابتکار عمل حضور ما را در سطح جنبش دوچندان کنند.

باید تمامی محله‌های تجمع مردم را از اعلامیه و تراکت پر نمود، اتوبوسهای شهری، صف‌های گوشت و نان و توبوس محل تعطیل سینماها، چهارراه‌های پررفت و آمد و... همه مکان‌های مناسبی هستند که در کمترین مدت با حداقل خطر می‌توان صدای سازمان را با یکوش توده وسیعی رسانید. ما برپخش در محلات زحمتکش نشین و میان کارگران تاکید بسیار داریم.

در توزیع وسیع همه جا تهیه و پخش نشریه کار و فوق‌العاده خبری کار بکوشید. با سازمان‌دهی تیمی فروش علنی نشریه کار را به پیش برید. هرگاه در سر چهارراه، دره‌خیا بان و دره‌بر کوی و بزرگ‌نشریه کار فروخته شده رژیم از دستگیری و پیگرد ما عاجز خواهد ماند. می‌توان برای امنیت بیشتر مدت زمان ماندن در یک محل را محدود نمود و با یک تعقیب کوتاه مدت در محلی دیگر به فروش پرداخت.

یکی از اشکال بسیار موثر تبلیغ که در مورد توده‌های وسیعی کاربرد موثر دارد، تبلیغ شفاهی است. بکارگیری این شیوه در هر مکانی که توده‌ها هستند بسیار است. هنریک مبلغ آنست که بتواند مواضع سازمان را با زبانی ساده، با مثال‌های از زندگی روزمره توده‌ها بیان کند. زبان روشنفکری را بکنار بپنجد، از افتادن به دام اکثریتی‌های راست و توده‌بها بی که ما بلندبخت‌ها را از مشکلات توده‌ها و مسائل آنان منحرف سازند جدا " خودداری کنید. اینک با بدمحوربخت‌ها را در طرح یک اکثریت‌سوی انقلابی خلاصه کرد. توده‌ها میخواهند راه حل مشکلات خود را بدانند. در عین سمت و سودادن مبارزات توده‌ها بسوی حزب جمهوری اسلامی، با ارائه راه‌حلهای انقلابی در برابر مشکلات توده‌ها می‌توان به افشای چهره لیبرال‌ها و ناهیت توخالی وعده و وعیدهای آنان دست زد.

ب. حضور فعال در میان توده‌ها، شرکت وسیع و همه‌جا تهیه و پخش تراکت‌ها و سازمان‌دهی آن.

اینکجا همه در شرایطی بحرانی بسر میبرد هر روز که میگذرد دنیا تندتر می‌گردد. در تغییر ذهنیت توده‌ها موثر است. جو حاکم برج‌ها همه در هر لحظه تغییر میکند باید در این تغییر بشکلی فعال شرکت کنیم و هر خود را بر تحولات جامعه و تغییر

رفقا! در شرایط بحرانی کنونی با پیدا تمامی نیرو و فعالیت‌های تبلیغی را سازمان داد. هرگونه کوتاهی در اجرای سریع، دقیق و پیگیر این وظایف ضریب‌تی جبران‌ناپذیر و بی‌کرجنبش خلق وارد خواهد شد. از اینرو وظایفی چند را که در شرایط کنونی بشکلی عمده مطرح است بر می‌شماریم.

۱- **تشدید فعالیت‌های تبلیغی:** باید به هر طریق ممکن با تمامی نیرو و مواضع سازمان را به میان توده‌ها ببریم. باید شعارها و بیان را به مردم توضیح دهیم و آنان را حول این شعارها بسیج کنیم. باید توده‌ها را که اینک بیش از پیش به مبارزه روی می‌آورند با آلت‌رنا تبلیغی انقلابی آشنا سازیم. باید به توده‌ها بگوئیم که فدائیان خلق چه می‌گویند و این عمل میسر نیست مگر با تشدید فعالیت‌های تبلیغی.

۲- **شماره‌نویسی:** سازمان دهی عمل پیگیری باید. وسایل لازم را که به ارزانه‌ترین قیمت قابل تهیه است تدارک ببینید و سعی کنید وقت مشخصی را برای این عمل در برنا مه‌خود بکنجا کنید. علاوه بر این همواره با ژبکی همراه داشته باشید در مکان‌ها و موقعیت‌های مناسب شعارهای سازمان را بردار و دیوار، داخل اتوبوس و... بنویسید. انتخاب شعار بسیار مهم است در این مورد نکات زیر را رعایت کنید:

۱- شعارها را دقیق و آنگونه در کار می‌آید بنویسید. از نوشتن شعارهای دیگر با امضای سازمان خودداری کنید.

۲- مضمون شعار را با بدبا محل نوشته شدن آن مطابقت داشته باشد در غیر این صورت نیروی ما به‌دررفته است. مثلاً نوشتن شعارهای در مورد گرانی، بیکاری و... در مناطق شمال شهری و اعیان نشین کاری بی‌بهره است.

۳- در این شرایط که دیوارنویسان حرفه‌ای رژیم و ضامن آن اکثریتی‌های راست و توده‌ها را در تمام شهر مشغول پاک کردن شعارهای انقلابی و طسوح شعارهای ضد انقلابیند، ابتکار عمل، انتخاب جای مناسب و شیوه نوشتن رنگ و طرح شعار، در جلب توده‌ها بسیار مهم است.

۴- **پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان را به وسیع‌ترین شکل ممکن به پیش برید:** در این مورد می‌توان رهنمودهای زیر را بکار بست:

۱- در شرایط فعلی حاکمیت با وجود بکارگیری تمامی نیروی خود قادر نیست احتیاق سیاه را برجامه حاکم‌گرداند. تمامی رفقا با بدبا این شرایط جداگانه استفاده را بنمایند. براحتی می‌توان بشکلی گروهی پخش علنی را با سازمان داد. مسلم است که کار بست این رهنمود فقط با درک صحیح شرایط و رعایت مسائل ایمنی لازم ممکن است. باید با دقت مراقب تعقیب‌های سازمان بافت بود.

۲- سازمان‌دهی پخش علنی، حضور سازمان را در سطح جامعه بخوبی نشان میدهد اما کافی نیست. در جو را این عمل باید پخش مخفی در محلات و کارخانجات را به وسیع‌ترین شکل سازمان داد. شناسایی اولیه محیط، دقت کافی در هنگام پخش و مراقبت بعدی برای مطمئن شدن از نبود تعقیب و مراقبت لازم چنین عملی است.

ذهنیت توده‌ها بکوییم. با بدبش محیط، نبش اجتماع را در دست خود بگیریم. برای این کار باید در میان توده‌ها بود. در اجتماعات آنان شرکت کرد به بحث‌های آنان سمت و سود داد. اعتراضات پراکنده و بی‌شکل آنان را اشکل بخشید و سازمان داد. با بدبها اعتراضات توده‌ها را از سوی مسائل جزئی و روزمره بسوی حاکمیت متوجه کرد. با بددر مقام بل خواسته‌های توده‌ها... در عین اینکه روشن میکنیم این حاکمیت و هیج حاکمیت سرما به داری دیگری با سنگسوی این خواسته‌ها نیست. به طرح آلت‌رنا تبلیغی انقلابی " شورا " بپردازیم. با بد برای توده‌ها روشن کرد که با بدبا مور خود را خود بدست گیرند. در عین هدایت خشم زحمتکشان بسوی رژیم، آنان را با بدبا ایده شوراها آشنا سازید. با بدبدرستی بدانیم روی آوری توده‌ها به مبارزات بطولت نفرت و ازجاریا ستیستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی است و فقط در صورت فسخدان حرکت فعال نیروهای انقلابی لبرالها قادر خواهند شد بر این موج سوار گردند.

گزارش نویسی: رایمنوان یکسری از بهترین وظایف سازمانی به پیش بریم.

بیشتر در تبلیغ سازمانی و حضور فعال در میان توده‌ها یک جانب از یک رابطه دوطرفه است. رفقا! شما از سوشی بننوان بیک سازمان به میان توده‌ها میروید و از سوی دیگر با بدبش بننوان شاخکهای حسی سازمان تمامی وقایع، اتفاقات و تغییرات موجود در سطح جامعه را سریع و دقیق ضبط نموده به سازمان منتقل کنید. در این شرایط حساس تنها سازمانی قادر است با تحلیل دقیق از واقع جامعه تا کتیهای مناسب اتخاذ کند که بشکلی کامل نبش جامعه و توده‌ها را در دست داشته باشد و این میسر نیست بجز سازمانی که یک سیستم منظم، سریع و دقیق گزارش نویسی، رفقا! هرواقعه‌ای که بنظر کوچک و بی اهمیت جلوه میکند هرگاه بتواند گوشه‌ای از ذهنیت توده‌ها و پسا وقایع جاری را منعکس گرداند با بدب گزارش شود. هر خبری که در وهله اول مهم بنظر نمی‌رسد ممکن است در زنجیره‌های پیوسته اخبار سازمانی نقش و بسزای ایفا کند. با بدبگزارش دهی منظم و دقیق را سازمان داده این عمل رایمنوان یک سنت پسندیده سازمانی به پیش برد.

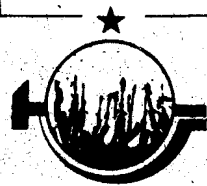
رفقا! هرگونه سستی و رخوت را باید بکناری نهاد. با بدسراپا شور کمونیستی شد. هرگونه افعال در انجام وظایف انقلابی، حتی به‌در دادن یک ساعت از این اوقات گرانبها ممکن است عواقب بی‌جبران نا پذیر بر بردارنده باشد. هما تگونه که در کار شما ره ۸۵ نوشته بودیم در هر کجا هستید به این حقیقت پرشکوه بسندید بشد که ده‌ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده‌ها هزار مکان چون شما در حرکتند به این حرکت عظیم بسندید بسودر میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه‌ها و شعارهای خود را نقش بندید.

رفقا! هرگونه سستی و رخوت را باید بکناری نهاد. با بدسراپا شور کمونیستی شد. هرگونه افعال در انجام وظایف انقلابی، حتی به‌در دادن یک ساعت از این اوقات گرانبها ممکن است عواقب بی‌جبران نا پذیر بر بردارنده باشد. هما تگونه که در کار شما ره ۸۵ نوشته بودیم در هر کجا هستید به این حقیقت پرشکوه بسندید بشد که ده‌ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده‌ها هزار مکان چون شما در حرکتند به این حرکت عظیم بسندید بسودر میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه‌ها و شعارهای خود را نقش بندید.

رفقا! هرگونه سستی و رخوت را باید بکناری نهاد. با بدسراپا شور کمونیستی شد. هرگونه افعال در انجام وظایف انقلابی، حتی به‌در دادن یک ساعت از این اوقات گرانبها ممکن است عواقب بی‌جبران نا پذیر بر بردارنده باشد. هما تگونه که در کار شما ره ۸۵ نوشته بودیم در هر کجا هستید به این حقیقت پرشکوه بسندید بشد که ده‌ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده‌ها هزار مکان چون شما در حرکتند به این حرکت عظیم بسندید بسودر میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه‌ها و شعارهای خود را نقش بندید.

پس به پا خیزید رفقا!
دنیایی کار پیش روی ماست

جنبش جهانی
فدائیان



پرو - لیمان ۲۲ خرداد

دهقانان زحمتکش یکی از مناطقی اطراف لیمان بعد از مدت‌ها تلاش از کاتالهای فائوینی برای بین گرفتن زمینهای خود که توسط دولت سرمایه داری به زور از آنها غصب شده و در اجتناب شرکت‌های زراعی قرار داده شده بود، راساً اقدام نموده - زمینهای خویش را مجدداً "بصرف خود" درآوردند. این اقدام انقلابی روستا - ثیان رژیم سرمایه داری را به وحشت انداخت و برای حمایت از سرمایه داران و جلوگیری از سرایت این شیوه انقلابی به سایر مناطق، نیروهای سرکوب - گرزود را به مقابله با روستا ثیان گسیل داشت. در درگیری میان زحمتکشان منطقه مذکور و نیروهای دولتی یک زن کشته و ۲۷ کشاورز زخمی شدند. با اینهمه نیروهای سرکوبگر نتوانستند روستا ثیان را از زمینها بیرون خارج سازند.



شیلی

۴ تن از استادان دانشگاههای شیلی که با اصرار ما به دلیل دفاع از مبارزات دانشجویان در جهت اخراج گارد دانشگاهی، دستگیر و زندانی شده‌اند، در تاریخ ۲۳ - خرداد، نوزدهمین روزاً اعتماد غذای خود را پشت سر گذاشتند. مبارزات دانشگاهیان شیلی در دفاع از محیط آموزش خود در ماههای اخیر ایستادگی‌های بی‌فلسفه و سرکوبگران رژیم نظامی، دانشگاهها را که یکی از پرخروش ترین سنگرهای آزادی در این کشور است به اشغال خود درآوردند. روز ۲۲ خرداد، در دفاع از مبارزات دانشگاهیان یک گروه کماندوئی از - انقلابیون شیلی طی یک حمله شبانه ۴ تن از نیروهای گارد امنیتی مستقر در دانش - گاه را زخمی نمودند. از سوی دیگر، دانشجویان مکزیک با اشغال دفتر ریونسکودر مرکز بکوسیته ضمن اعلام همبستگی با مبارزات دانشجویان هرمز خود در شیلی، خواستار آزادی - دانشجویانی شدند که توسط رژیم پینوشه به زندان افتاده‌اند.

تاریخ ۶۰/۳/۲۵

روزنامه‌های ناپروبی گزارش دادند که تا زگی حدود ۴ هزار مزدور مسلح توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی برای مقابله با رزمندگان بواپو که در راه استقلال نامیبیا می‌جنگند، اجیر شده‌اند. "گوریزاب" سخنگوی جنبش بواپو در سازمان ملل ضمن تأیید این خبر اعلام داشت مزدوران مذکور به کمک امپریالیستهای آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و دولت استرالیا بسیج شده‌اند. سخنگوی مذکور همچنین اعلام داشت که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله را بعنوان سرباز مجبور به جنگیدن علیه انقلابیون می‌نامند.

توروسه فلسطینی در زندان

طبق گزارش سازمان آزادی بخش فلسطین، سه تن از رزمندگان فلسطینی اسیر، به توسط صهیونیستها در یکی از زندانهای فلسطین اشغالی به شهادت رسیدند. کشتار و شکنجه زندانیان انقلابی چه در دوران بازجویی و چه بعد از آن شیوه رایج دژخیمان صهیونیست و همه رژیمهای فئودالی و مرتجع است که در برابر گسترش مبارزات بی‌امان خلقها مستأصل شده و راهی جز گسترش جنون آمیز و جنسگری نمی‌شناسند. نمونه کشتار ۶ - انقلابی اسیر خلق السالوادور توسط دژخیمان سالوادوری، کشتارهای مکرر زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی... و بالاخره کشتار ۹ رزمنده مجاهد فدائیان در زندان شاه و ترور فدائیان خلق و از رهبران خلق ترکمن و نیز ترور چریک فدائیان خلق هادیان و مجاهد خلق امیر ارگنجی در زندان جمهوری اسلامی و... نمونه‌هایی از استیصال رژیمهای سرمایه - داری در مقابل مبارزات خلقهاست. فلسطین اشغالی: جمعه ۲۲ خرداد، یک جوان مبارز فلسطینی در یکی از اردوگاههای آوارگان در بیت‌الحمیه ضرب کلوله سربازان حکومت نظامی کشته شد. در اعلامیه فرماندار نظامی آمده است که این جوان همراه با همدستانش هنگام نظاره‌ات علیه سربازان اسرائیلی به طرف نظامیان سنگ پرتاب کرده است و سربازان برای دفاع از خود شلیک کرده‌اند. صهیونیستها از ترس تبدیل شدن مراسم تشییع جنازه این مبارز فلسطینی به نظاره‌ات گسترده، شبانه جسد وی را دور از چشم مردم بخاک سپردند. شخصی که توانسته بود از اردوگاه - مذکور فرار نماید اظهار داشت که افراد ساکن در این اردوگاه طی روزهای اخیر حق خروج از آنجا را ندارند و سربازان صهیونیست برای یافتن مبارزان عضو سازمانهای فلسطینی، تمامی منازل - حدود ۵۰۰ سکنه اردوگاهها را شنیدند - با زسی میکنند.

نصف یک شهردار بگر توسط انقلابیون السالوادور

از سوی یک کرد درگیری با نیروهای دولتی، انقلابیون "جبهه یک مستشار نظامی آمریکا" را قتل رساندند. لکن دولت السالوادور هنوز در این مورد اظهار نظر نکرده است و این بدان دلیل است که رژیم جنایتکار السالوادور از اعتراف به وجود نیروهای انقلابی و فعالیتشان واهمه دارد. بدنبال وقایع اخیر طی هفته گذشته بیش از ۵۰ جسد بر روی بعضی از آنان آثار شکنجه نیز دیده می‌شود، در السالوادور به دست آمده است. ضربات و خساراتی که چریکهای انقلابی و خلق السالوادور بر پیگرد رژیم دست نشانده و مرتجع‌ناپلئون دو آورده‌اند - می‌نمایند این رژیم را واداشته تا با تمام وسایل ممکن از قبیل (ارتش) گروه - های شبه نظامی و دستجات تروریستی و با تفاهت بسیار به شدت خونت و سرکوب در السالوادور بسیار فزاید. اما تا مسی این شیوه‌ها و حتی کمکهای پیشمان نظامی و مالی آمریکا به این رژیم و دیگر رژیمهای دست نشانده منطقه قادر نخواهد بود که بحران سیاسی و اقتصادی در آمریکا - مرکزی را پایان بخشد. تنها السالوادور است که می‌رود تا برای همیشه بحران - این کشور را ختم دهد.

"جبهه آزادیبخش فارابوندمارتی" اعلام داشت که در تاریخ ۶۰/۳/۲۲ شهر آکارتا شواقع در ۵ کیلومتری مرز هندوراس را به تصرف خویش درآوردند. تصرف این شهر یکی دیگر از بزرگترین پیروزیهای چریکهای انقلابی در السالوادور می‌باشد. در این جریان ۱۴۰ سرباز کشته و همچنین تعدادی نیز زخمی شدند. "جبهه آزادیبخش فارابوندمارتی" اظهار - داشته است که تا کنون (۶۰/۳/۲۳) رژیم السالوادور، تلاشهای مذبحانه‌ای برای باز پس گرفتن شهر انجام داده ولی موفق نشده است. از جمله، برای نجات واحدهای دفاعی خود که در محاصره نیروهای انقلابی می‌باشند، هواپیماها و جت جنگنده‌ای را به منطقه مورد نظر اعزام داشته است. این هواپیماها، حومه و کوهها به‌های - اطراف شهر آرتا تا شورا بمباران نمودند. همزمان با این پیروزی - سرگرم انقلابیون السالوادور به موفقیت دیگری نیز دست یافته‌اند و آن این است که اولین گروه کادرسیاسی - نظامی مدارس انقلابی "جبهه آزادیبخش فارابوندمارتی" را برای فرماندهی واحدهای چریکی آماده نموده‌اند. این خودگامی است بین بزرگ در جهت تربیت و پرورش انقلابیون حرفه‌ای برای جنبش السالوادور.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان

افزایش دستمزد مناسب با افزایش قیمتها حق مسلم کارگران است

بنا بر ماده ۲۲ قانون کار مصوب سال ۱۳۴۹، که هنوز مورد تأیید و تصویب جمهوری اسلامی است، وزارت کار موظف است در آغاز هر سال حداقل دستمزد کارگران را به نسبت افزایش هزینه زندگی یک خانوار ۴ نفری که رگرایی افزایش دهد و برای این منظور جدولی تهیه و تصویب شده در آن ضروریترین کالاها و خدمات مورد مصرف کارگران گنجانده شده و وظیفه وزارت کار این است که با در نظر گرفتن قیمتهای جدید، خرج سالانه حداقل دستمزد کارگران را متناسب و اعلام کند.

در دوران شاهنشاهی، با وجود آنکه اصل قانون مذکور وجود مییافت به لحاظ غیر واقعی بودن مورد قبول کارگران نبود، رژیم پادشاهی در جدول و کم نوشتن قیمتهای اجناس و خدمات حداقل دستمزد کارگران کمتر از واقع ارزیابی می شد و اساساً "خودقانون" اجرائی شده و در نتیجه حداقل دستمزد نیز تا حد امکان پایین بود.

با سرنگونی رژیم شاه، بر اثر جنبش شده ما، دولت موقت در آغاز سال ۵۸ ناچار شد ظاهراً طبق جدول مذکور، حداقل دستمزد را برآورد کند و اعلام داشت که حداقل دستمزد کارگران از ۲۸۹ ریال به ۵۶۷ ریال افزایش یافت.

اما در آغاز سال ۵۹، رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر معمولی زیرک و بزرگوار و ضمن آن که قانون سود ویژه را به بهانه "طغیانی بودن" لغو کرد و از این راه مزایا و پاداش آنان را به نصف کاهش داد، اعلام کرد که به حداقل دستمزد کارگران فقط ۶۸ ریال افزوده می شود و به ۶۳۵ ریال میرسد! و این در حالی بود که به علت گران شدن، قدرت خرید کارگران به شدت تقلیل یافته بود.

رژیم جمهوری اسلامی در خرید ادما و امسال اعلام کرد که "حداقل دستمزد کارگران به رقم ۲۵۰ ریال قبلی ثابت می ماند و تنها به دستمزد کارگرانی که یک سال سابقه کار دارند روزانه ۲۰۰ ریال و به کارگرانی که مورد تأیید کمیته ای متشکل از نمایندگان کارفرما، شورای اسلامی و سرپرستان کارگاه باشند، به تناسب نظری و "هرکاری" از ۲۰۰ - ۲۵۰ ریال الی ۵۰۰ ریال تشویقی" تعلق می گیرد. کارگران می دانند که ۲۰۰ ریال فوق - همان "حق با به" است که در ازای یک سال سابقه کار پرداخت می شود و مرتاضه ای نیست و مبلغ "تشویقی" نیز وسیله ای است در دست سرمایه داران و دولت سرمایه - داری برای بهره کشی هر چه بیشتر کارگران و کاهش در جهت خنرقه افکنی میان آنان. تشبیه حداقل دستمزد براساس جاری در شرایطی صورت می گیرد که افزایش سرمایه و هزینه زندگی بیش از پیش بر کرده

حداقل نیا زندگیها و زیستی یک خانوار ۴ نفری که رگرایی را برآورد به منظور برآورد حداقل دستمزد کارگران (معموبه سال ۱۳۴۹ - وزارت کار)

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
زنی			
بهره من تابستانی چیست	۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
بهره من زمستانی چیست	۲	۲۱۰۰	۴۲۰۰
مسوراب نظمی	۳	۷۰	۲۱۰
پوشش زمستانی	۲	۳۵۰	۷۰۰
بلوزبشی (هر سه سال یک عدد)	۱/۳	۱۸۰۰	۶۰۰
رومیزی	۱	۳۰۰	۳۰۰
چادر نیمه از چیست	۲	۱۰۰	۲۰۰
جمع کل پوشاک زن ۱۰۵۱۰			
فرزندان (۴ نفرند)			
کت و شلوار (هر یک یک عدد در سال)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
بهره من (هر یک دو عدد در سال)	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیربهره من (هر یک دو عدد در سال)	۲	۱۵۰	۳۰۰
زیرشلوار (هر یک دو عدد در سال)	۲	۳۵۰	۷۰۰
جوراب (هر یک چهار عدد در سال)	۶	۵۰	۳۰۰
بلوزبشی (هر یک دو عدد در سال)	۲	۹۰۰	۱۸۰۰
کفش (هر یک یک عدد در سال)	۲	۱۲۰۰	۲۴۰۰
بالشو (هر یک یک عدد در سال)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
جمع کل پوشاک فرزندان ۱۸۲۶۶			
مسکن و اثاث منزل و آب و برق و وسایل			
یک اتاق و یک آشپزخانه	یک اتاق	۱۰۰۰۰	۱۲۰۰۰
اتاق نشیمن	—	۳۰۰۰	۳۶۰۰۰
آب	—	۲۰۰	۲۴۰۰
روشنایی	—	۲۰۰	۲۴۰۰
سوغت (نفت، هیوم و کبریت)	—	۲۵۰	۳۰۰۰
جمع کل مسکن و لوازم ۱۶۲۸۰۰			

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال به کیلوگرم	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
غذای خانوار	۱۰۹۵	۲۶	۲۸۴۷۰
پوشاک	۹۱/۲	۸۵	۷۷۵۶
حیوانات	۳۶/۵	۱۱	۴۰۱۵
گوشت گوساله	۷۲	۴۰۰	۲۸۸۰۰
روغن نباتی	۳۶/۵	۶۲	۲۲۹۹
ماست	۷۲	۶۰	۴۳۲۰
پنیر	۱۸/۲	۱۸۰	۳۲۷۶
قند	۱۸/۲	۲۹	۵۲۷
شکر	۳۶/۵	۲۲	۸۰۶
چغندر	۷/۲	۵۰۰	۳۵۰۰
سیب زمینی	۷۲	۲۰	۱۴۴۰
اسفنج	۲۹۲	۲۰	۵۸۴۰
کوبه فرنگی	۹۱/۲	۵۰	۴۵۶۲
سبب زمینی	۹۱/۲	۳۵	۳۱۹۲
میوه (سیب و پرتقال)	۲۹۲	۱۰۰	۲۹۲۰۰
جمع کل خوراک ۱۳۲۰۸۲			
کت و شلوار نظمی پشمی	۱	۷۰۰۰	۷۰۰۰
بهره من	۳	۸۰۰	۲۴۰۰
زیربهره من	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیرشلوار	۲	۲۰۰	۴۰۰
جوراب	۲	۷۰	۱۴۰
کفش	۱	۱۷۰۰	۱۷۰۰
بلوزبشی (هر سه سال یک عدد)	۱/۳	۱۲۰۰	۴۰۰
بالشو (هر ۲ سال یک عدد)	۱/۳	۸۰۰۰	۲۰۰۰
جمع پوشاک مرد ۱۵۵۸۰			

بافتنه است. در چنین شرایطی است که وزارت کار از تعیین حداقل واقعی دستمزد کارگران امتناع می کند تا سرمایه داران صنعتی نیز بتوانند همچون تاجران

زحمتکشان فشار می آورد، بیگانه ریدر تمام خانواده های کارگری شدت گرفته و از همین رویارنا ن آوری ها نوا ده بیرونش تعداد کمتری از اعضای ان افتاده و سود ویژه و دیگر مزایای کارگران به نصف تقلیل

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

بجای امپریالیسم، نوجهای امپریالیسم!

Trade between Korea - Iran

A) By Korean Statistics.

Year	Unit: Million US\$		
	Export to Iran	Import from Iran	Balance
1974	48	30	18
1975	140	18	122
1976	157	172	A 15
1977	121	216	A 95
1978	164	169	A 5
1979	105	337	A 152
1980	623	650	A 27

* In 1980, Iran is No. 6 trade partner for Korea.

B) By Iran Statistics.

Year	Unit: Million US\$			
	Total Import of Iran (A)	Import from Korea (B)	B/A (%)	Ranking by Nation
78/79	10,372	76	0.74	18
79/80	12,000	180	1.5	10
80/81 (80.3-12)	8,400	500	5.9	7

C) Main Export Items to Iran from Korea in 1980

(in Million US\$)

- o Fertilizer : 100
- o Textile Materials (Yarn, Fabrics) : 100
- o Tyre & Tube : 50
- o Chemical Materials : 30
- o Steel Products : 30
- o Paper and Woods : 30 etc.

گروای ناد سار و اعتراضات خویش کارگران نساجی فایم شهر

با سر نیزه و مسلسل سرکوب شدویک کارگر بنام (علی منانی) به شهادت رسید و بیش از هشتاد تن از مبارزان زخمی شدند و تعداد بسیاری از آنان دستگیر و زندانی گردیدند. رژیم کاخانه را بمدت یک هفته تعطیل کرد و عملاً در شهر حکومت نظامی برقرار نمود.

اگر چه رژیم مزدور شاه توانست با اعتماد کارگران نساجی قاشمشهر را بخون کشیده و سرکوب کند ولی تعداد و مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام به قیام - بهمن ۵۷ منجر شد. قیامی که رژیم منفسور شاه را به زیاده دانی تاریخ سپرد. ولی از آنجا که کارگران و زحمتکشان ایران در تشکیلات طبقاتی خویش متشکل نبودند و رهبری را بدست نداشتند خدا انقلاب باز دیگر با نام جمهوری اسلامی به قدرت رسیدند و اکنون هر روز که میگذرد پیش از پیش کارگران و زحمتکشان در میانه بندگی و نظام جمهوری اسلامی همانند تمام نظامهای سرمایه داری، در عمل جز محاسبات از منافع سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران کاری نمیکند. همپای چنین درگیا است که متقابلاً کارگران ایران با استفاده از تجربیات خویشا رنجش کارگری - کمونیستهای ایران و جهان بسوی اتحاد و تشکیل سراسری و سازمان یافتن در تشکیلات قدرتمند خویش گام بر میدارند تا بهمنابه طبقه کارگر، مصاف تاریخ ساز با رژیم سرمایه داری را تدارک ببینند. خاطر شهادت کارگر قهرمان (علی منانی) را گرامی بداریم و با درس آموزی از اعتماد خونین کارگران مبارز نساجی برای تشکیل حزب انقلابی و رژیم آفریننده طبقه کارگر، گامهای سرنوشت ساز برداریم.

در هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۴، در زمان دیکتاتور سیاه و سهمگین رژیم مزدور - شاه، اعتماد کارگران مبارز نساجی قاشمشهر (شاهی) بار دیگر با سر نیزه و مسلسل درهم کوبیده شد. کارگران مبارز نساجی (شاهی) که از سنت های دیرینه مبارزاتی برخوردارند و نمونه های درخشانی از مبارزات آنان در تاریخ جنبش کارگری میهن مان به ثبت رسید است یکبار دیگر در سال ۵۴ صفحه خونین دیگری بر صفحات تاریخ جنبش کارگری - میهن مان افزودند.

اعتماد در اوایل خرداد ماه شکل گرفت. کارگران بخاطر عدم پرداخت سود ویژه از سوی کارفرما دست به اعتصاب در روزهای زدن و کار فرما را مجبور به پرداخت سود ویژه کردند، اما از آنجا که کارفرما تمامی مبلغ سود ویژه را پرداخت نکرده و همچنین مراجعات کارگران به اداره کار و سایر مراجع رسمی کشور نیز (مطابق معمول) ثمری نداد، لذا کارگران یکپارچه و متحد گردیدند و از ظهر یکشنبه ۸ تیر ماه اعتصاب دوم - را آغاز کردند. بلافاصله بنا به درخواست کارفرما نیروهای سرکوب رژیم - به کارخانه پورش بردند ولی با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه شده و از چارخانه فرار کردند. رژیم که بشدت به وحشت افتاده بود از شهرستانهای ماری، بابل، آمل و ازباده گانهای شیرگاه نیروهای کمکی سرکوب برای مزدوران - شاهي گسیل داشت. و از سوی دیگر، دانشجویان و دانش آموزان و زحمتکشان شهرهای مجاور به حمایت از کارگران برخاسته و در اطراف کارخانه صف شکوهمندی تشکیل دادند. دو نیرو در مقابل هم صف کشیدند و درگیری آغاز شد و تا پاسی از شب گذشته ادامه یافت. و بالاخره اعتماد -

سندی که ملاحظه می کنید مربوط به وزارت بازرگانی کره جنوبی است و قسمت A آن نشان می دهد که در سال گذشته طبق آمار کشور کره جنوبی ایران ۲۲۲ - میلیون دلار کالا از کره جنوبی وارد کرده و ۶۵۰ میلیون دلار به آن کشور صادر کرد (که بدون شک تماماً شامل نفت و فرآورده های آن است).

طبق آمار کره جنوبی، ششمین کشور طرف معامله با ایران بوده است. در بخش B سند مذکور که طبق آمار ایران تنظیم شده، ایران در سال گذشته ۵۰۰ میلیون دلار کالا از کره جنوبی خریداری کرده، یعنی عددی از احتیاجات خود را از این طریق تأمین کرده، طبق آمارهای ایران، کره جنوبی هفتمین کشور طرف معامله با ایران بوده است. این سند نشان می دهد که پیساز با اصطلاح تحریم اقتصادی، ایران به عوض این که مستقیماً از امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای تحریم کننده امپریالیستی کالای خود، از رژیم های دست نشانده آن نظیر کره جنوبی کالای تهیه کرده، به طوری که کشور کره جنوبی در سال گذشته از نظر واردات از مقام هجدهم (نسبت به سال ۵۷) به مقام دهم (نسبت به سال ۵۸) ارتقا یافته، به این میگویند مبارزه فدا امپریالیستی آلتیه و قتیسی معامله با امپریالیسم شرقی را این مبارز باشد، زیرا این کشور به قول بهزاد نسوی

عدالت به شیوه رژیم جمهوری اسلامی

چندی پیش در مسجد سلیمان برادر دکان یک نانواشی، اعلامیه بک سازمان انقلابی چسبانده می شود. با ساران از آن نواشی خواهند که اغلبه را بکنند و راه کنند. اما تا نواد در برابر تحکوم و تهدید افراد سپاه مقاومت می کند. با ساران در برابر مقاومت نانوا و کارگران خودشان اعلامیه را می کنند و برای اجرای "عدالت" به شورای آرد و نان شهر دستوری می دهند از سهمیه روزانه نانواشی تا غی ۱۵۰ کیلوگرم کم شود. به این ترتیب مجریا عدالت اسلامی به "جرم" اعلامیه ای که دیگران برادر دکان چسبانده اند، نانوا و کارگران او را محکوم میکنند که کمتر بخت کنند و در آمد کمتری داشته باشند و در عین حال اهالی محل هم محکوم به این می شوند که نان خود را از نانواشی دیگری تهیه کنند! اینسان دیوان بلخ بخیر!

فاقد قدرت سیاسی است و "استثمارگر" نیست معاً مله با رژیم کره جنوبی که از نظر سیاسی تفاوت چندانی با رژیم شاه ندارد، به طریق اولی مجاز است! بخش C سند نشان می دهد که از ۶۲۲ میلیون دلار کالای وارداتی از کره جنوبی، ۳۴۰ میلیون دلار شامل مواد، منسوجات و الیاف، لاستیک و تئوپ، مواد شیمیایی، محصولات فلزی، کاغذ و چوب است و بقیه آنرا "و غیره" اسرار آمیزی تشکیل می دهد که میتوان حدس زد شامل اسلحه است. علاوه بر این فزونی آمار کره بر آمار ایران گویا حاکی از آن است که ۱۲۲ میلیون دلار اسلحه قاچاق از مبدأ کره جنوبی خریداری شده است. تماماً می این گوشه جهت پرده پوشی اسرار بازرگانی است و تمامی رژیمهای ستمدوم و فاسد خلقی بخصوص معاملات اسلحه را از چشم مردم بدور می دارند تا با هیت واقعی خود را پنهان سازند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

۵۰ میلیون تومان هزینه ایجاد زندانهای جدید!

اعتراض به شرایط سخت کار و افزایش دستمزدها سودویژه و سایر خواستهها به بندگشیده شده اند بقیه زندانبندان بجرم دزدی، قتل، فحشاء، قاچاق مواد مخدر دستگیر شده اند و البته تعداد کمی نیز وابستگان رژیم گذشته می باشند که با قول همکاری با رژیم کنونی و توبه از خیانتهای پیشین و مکتبی شدن، نصف حاکمان کنونی می پیوندند و این دسته که دوره پشیمانسی را می گذرانند علاوه بر ملاقاتهای حضوری امکان سرکشی به خانه خویش را نیز دارند!

مسئولین زندانها گرچه سعی میکنند چنین وانمود سازند که افزایش زندانها برای بهبود شرایط زندانبندان صورت گرفته اما مجبور به اعتراف اند که تعداد زندانبندان نیز زیادتر شده است.

بررسی پوشیده نیست که علت افزایش بی سابقه دزدی و فحشاء و غیره ارتباط مستقیم با افزایش بیگاری، گران و هزینه های سرمایه آورزدگی دارد. هنگامیکه سرپرست خانواده قادر نیست حتی لقمه نانی برای سیر کردن شکم زن و فرزندش بدست آورد نظام سرمایه داری فزونیگرا منحل این نظام اورا به جانب فحشاء و دزدی سوق می دهد و اکنون رژیم جمهوری اسلامی نه تنها قدمی جهت حل مسائل توده ها برنداشته بلکه تنها با گسترش زندانها و دستگیری و اعدام و یا محکومیت آنان سعی دارد با اینگونه جرائم که محصول نظام طبقاتی است مبارزه کند اما دزدان واقعی جامعه یعنی سرمایه داران و بزرگان مالکان را که از طریق استثمار خلق زحمتکش میلیونها تومان به جیب می زنند آزاد می گذارد، تجار بزرگ را راه می کند و فروشندگان جزء را محکوم می سازد و بالاخره دزد بیهای کلانی نظیر ۵۶ میلیون دلار را بی ارزش می نامد. اینست شیوه مبارزه رژیم کنونی با مسائل اجتماعی. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد با مطول مبارزه کند نه با علت، چرا که مبارزه با علت یعنی نفی نظام طبقاتی که البته رژیم جمهوری اسلامی مدافع آنست.

اما در انقلابی نظیر ویتنام و کوبا و در دیگر کشورهای انقلابی بیه گونهای دیگر با اینگونه جرائم برخورد شد آنان ضمن مبارزه با نظام طبقاتی و استقرار سیستم سوسیالیستی یعنی درم شکستن علل زمینیه های اجتماعی دزدیها، فحشاء، قاچاق و غیره بسا گشودن آموزشگاهها و تعلیم آموزش فرهنگ سوسیالیستی و انقلابی بتدریج زندانها را برچیدند مسئله بیگاری را حل کردند و با فراهم آوردن امکانات رفاهی زمینیه های اجتماعی بروز جرم را در هم شکستند.

رابکار گرفته و ۱۸ زندان نیمه تمام آن رژیم را نیز تمام کرده و آماده بهره برداری نموده، بلکه ۹ زندان دیگر نیز در طرح آتی خود دارد که اگر ظرفیت حداقل زندانها را محاسبه کنیم با پدازهر ۱۰۰۰۰ ایرانی یکی را به بندگشند.

مثلی است معروف که هر مدرسه که بسته می شود زندانی گشوده می گردد و اکنون شاهد تحقق آنیم. بجز زندانبندان سیاسی که بخش عظیمی از زندانبندان را تشکیل می دهند و بجرم فروش تشریفات سازمانها و انقلابیها بشارت میدهند و تظاهرات و اعتراضات کارگری و سیاسی

درمجا بهای که با شورای سرپرستی زندانها از سوی کیهان صورت گرفته و در تاریخ ۱۷ اردیبهشت بجا رسیده از جمله مسائلی که مورد بحث قرار گرفت طرح اختصاص ۲۰۰ میلیون تومان بودجه برای زندانهاست که از این پول حدود ۵۰ میلیون تومان یعنی ۲۵٪ تنها صرف گسترش و ایجاد زندانهای جدید می شود و به همین میزان نیز صرف استخدام مراقبین تربیتی و انتظامی می گردد. جالب اینست که این هزینه جدا از هزینه های است که تاکنون صرف تمام زندانهای نیمه تمام شاه شده است زیرا در این مصاحبه گفته می شود که احداث ۹ زندان جدید در بودجه سال ۶۰ منظور شده و ۱۸ دستگاه زندان هم اکنون آماده بهره برداری است!

با این حساب گویا رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زندانهای رژیم گذشته

افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها

د: بهداشت و نظافت			
ظها میرزا احمد (هرماه سه بار)	۲۶ بار	۵۰	۱۸۰۰
حما میرزا زین (هرماه سه بار)	۲۶ بار	۵۰	۱۸۰۰
حما میرزا کوکدان (هرماه سه بار)	۲۶ بار	۲۰	۲۸۰۰
املاح سروصورت مرد (هرماه شوی)	۲۴	۱۵۰	۳۶۰۰
املاح سروکودکان (هرماه سه بار)	۲۴ بار	۱۰۰	۲۸۰۰
ماسون لباسشویی (هرماه شالین)	۲۸	۲۵	۷۱۰۰
ماسون دستشویی (هرماه شالین)	۱۲	۲۵	۳۰۰
جمع کل بهداشت و نظافت ۱۷۲۲۰			
ه: درمان			
درمان	مصرف در سال	قیمت واحد کالا (ریال)	قیمت کل (ریال)
عانه نواده، بیمه درمانی است	-	-	-
و: آموزش			
لوازم التحریر (کودکان)	-	۵۰۰۰ ریال ماهانه	۱۲۰۰۰
ز: ایاب و ذهاب، معاشرت و مسافرتهای تفریحی			
ایاب و ذهاب روزانه	۱۲۸۵۰ (هر روز)	-	۱۸۲۵۰
دیدن و بازدیدها (تور از دوستان و بستگان (ماهانه یکبار)	-	۲۰۰	۲۲۰۰
مسافرت خانوادگی به زادگاه خود (سالانه یکبار)	-	-	۸۰۰۰
زیارت ماهانه یکبار	-	۲۵۰	۲۲۰۰
دعایا (تور روزانه ۴۵۰۰ ریال)	۲۵۵۰	۶۰۰	۱۵۳۰
جمع کل ۵۲۵۱۵			
پول بجه (۷۷ کل دستمزد) ۲۸۸۱۱			
جمع کل مارج در سال ۲۲۰۲۰۵			
حداقل دستمزد ماهانه ۲۲۷۰۰			
حداقل دستمزد یک روز ۱۲۰۶			

بقیه از صفحه ۱۲

سودهای ۱۲۰ میلیون ریالی می بینند. در هر حال با آن که قانون کار سال ۲۹ اما با مورد تأکید کارگران نیستند تا تدوین قانون جدید، حداقل دستمزد براساس جدول یا دنده تعیین و اعلام شود. شکی نیست که این جدول شامل حداقل تنایزهای واقعی کارگران نیست و کمبودهای فراوان دارد. برای پی بردن به کمبودهای آن کافیست ببینیم که این جدول در زمان رژیم فدکا رگری بطوری تدوین شده است. به عنوان مثال طبق این جدول هر خانوار کارگر فقط چهار نفر (شامل مرد، زن، و دو فرزند) منظور شده، در حالی که حتی طبق آمار دولتی تعداد افراد در خانوار ۵ نفر است. و با بنا بر این جدول فرزندان کارگران حق داشتن اسباب بازی و پول توجیبی ندارند و به عنوان پوشاک نیز فقط می توانند سالیکه جفت کفش و هر چهار ماه یک جفت جوراب بپوشند و برای سکونت خانوار کارگر فقط یک اتاق و بستون منظور شده و در لیست غذا از کره، مربا و تخم مرغ و در لیست پوشاک از دستکش و شال و دمپا شنی خبری نیست.

با این وجود بنا بر همین جدول و بر اساس قیمت های جاری، حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری باید ۱۲۰۶ ریال باشد و کارگران برای حفظ سطح زندگی ابتدای سال ۵۸ خود، برای قانون شدن این رقم از طریق تشکل های انقلابی خود مبارزه خواهند کرد. مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها - بخشی از مبارزه علیه نظام سرمایه داری است.

اکنون که تمام نیروهای انقلابی بر اساس محاسبات مبتنی بر جدول مذکور به این نتیجه رسیده اند که حداقل دستمزد کارگران نباید حدود ۱۲۰۰ ریال باشد - سازمان ما به همه نیروهای انقلابی و تشکل های کارگری پیشنهاد می کند مبارزه خود را برای تحقق این حق حداقل هماهنگ و متمرکز کنند.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از میان رفقایمان تنهاریقی که در دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

می‌ورزد ریسک کوروا و انتوریسم انقلابی را مردود می‌شمارد. او می‌گوید: "هیچ‌کس برای چریک نبود سرنوشت نیست، چریک می‌جنگد، بغا طرآنکه دژتوده‌ها را تسخیر نماید و برای تسخیر این دژ مبارزه‌ای طولانی، پرحوله و قدم‌بدم لازم است، فریب زدن به دشمن گامی در این جهت بشمارد رود" اما "طرحی که بود و نبود سابقا زمان چریکی را مشخص می‌کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود مردود است."

رفیق با چنین برداشت‌ها بی‌از علم انقلاب رهبری بزرگ برای ما زمان بود. رفیق برخلاف ادعای کمیته مرکزی - جی‌های خائن نه تنها یک پرا تسمین کبیر بلکه همچنین یکی از برجسته‌ترین ثلثه سبیل‌های جنگ انقلابی در میهن ما بوده رفیق حمید با جمع‌بندی عملی که از حرکت سه ساله آغازین ما زمان ارائه داد، به درستی نظریه‌گان نون را که علم بر مفسر ظاهر آن همچنان در سوپا تش بر زمینش ما زمان در آن مقاطع نبسته بود در کرد. رفیق در رابطه با تجارب مرحله اول مبارزه انقلابی ما زمان می‌نویسد: "فنا را کما ملا" سیاسی کردیم و ایده‌ها را زنده ساختیم، با نیا زیر قایما و قهرمانیهای آنها اثر زیادی در ایجاد روحیه رزمنده در مردم باقی گذاشت، بلاغی نیروهای زیادی را تقویت "بلافاصله برای همکاری با جنبش از لحاظ معنوی آماده نمود... اتوریته و شخصیت دشمن لگدکوب چریکها شد. قدر قدرتی دشمن در هم شکست شد و این امر بسیار مهمی بود... اما تقریبا "سه اولین هدف خود در سید بودیم. وقت آن بود که با استفا ده از تاشیرات ایجاد شده به ما زمان دهی بپردازیم و دست آوردها - همان را عملا" تثبیت کنیم، در آن دوره - حفظ نیروهای خودی و فریب نغورن و عقب نشینی تا کنیکی خود پیروزی بزرگی محسوب می‌شد. هر هفته که میگذاشت دشمن موفق به وارد کردن ضربه به ما نمیشد، روحیه رزمنده مردم بیشتر و چمیک گرفت، و لسی ما بی‌مبالاتی کردیم و به دشمن اجازه دادیم

از طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب - مناسب و عملی برای اجرای آن را ارائه کرد و گرنه طرح ایده‌ها بدون ارائه اسلوب - عملی کار بی‌فایده است... بسیاری از فعالین گروه‌های سیاسی صرف و بی‌عمل فکر می‌کنند که با ارائه طرح‌های بسیار خوب و جالب کار تمام است... اینها چون هیچ‌گاه به طرح‌هایی که می‌دهند عمل نمی‌کنند، متوجه این هم نمی‌شوند که ارائه طرح‌های کوچک از تحقق یک برنامه است... و این یکی از بیماریهای روشنفکران است - وقتی طرحی می‌دهند تحقق آن را حتمی فرض کرده و بلافاصله بفکر طراحی مرحله بعدی می‌افتند و این کار را همچنان ادامه می‌دهند و در آخر شا هد پیر و روزی را در رویاهای رومان تیک خود در غوش می‌کشند. رفیق اساسی ترین منطق ما را کسیتی را در ملاک حقیقت بودن عمل میدانست. او در برخورد به اپورتونیستهای خائنی که مبارزات انقلابی ما زمان را با انگشت گذاشتن به خطاهای تا کنیکی خطئه می‌کنند، ترمیم می‌کند، با بد توجه داشته با شیم که بسیاری از مسائلی که امروزه روشن و واضح به نظر می‌رسند، "معما های حل شده‌ای هستند که تا آن شده اند و این مسائل در هنگام وقوع آن چنان ساده نبود و با هم تجربه لازم بود که اشکالات را نمایان سازد. هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی‌توانستیم رشد کنیم، تاریخ تمام انقلابات نشان میدهد، که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات بزرگ و کوچک شده‌اند و آسیب‌های بزرگ و کوچک دیده‌اند و لسی پس از بروز شکست ها مجددا "بر سر پا برخاسته‌اند، و آسیب‌ها با برقراری یک مفهوم "انتقاد از خود" - جبران کرده، جنبش انقلابی را از نو برپا داشته‌اند و با بهره‌گیری از تجارب عملی پیشگیری از خطاهای گذشته به پیش تاخته - اند و از میان صدها شکست پیروزی آفریده - اند. رفیق در همین آنکه بر ضرورت عمل برای دست‌یابی به تجربه انقلابی تا کید

رفیق حمید مظهر انسان کمونیست دوران ما، تجلی اراده خلل ناپذیر، خشم طوفانده و شکوه عواطف رفیق و دقت نظر کمونیستی بود. او قلبی گرم و مغزی سرد برای اندیشیدن داشت. برای عشق به توده‌ها برآستی او از تنهاریقی بود. رفیق مبارزه انقلابی و زندگی مبارزاتی را عینیتی سرشار از زنده‌ها و مشقت‌های دشوار و طولانی و در عین حال زیبا و دوست داشتنی میدانست و بسیار بر ضرورت آشنا شدن و خو گرفتن بر واقعیتها و سرسخت و بیرون آمدن از - رمانتسم انقلابی پای می‌فشرد و در این امر به تجربه مشخص ما زمان نیز قویا تاکید داشت. رفیق در جمع‌بندی سه ساله از مبارزات ما زمان می‌گوید: "مهمترین صفت بی‌تجربگی ما بود... ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی را برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آروزهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزها شراکه‌ها در غاف آرزویش را داشتیم در عرض چند هفته با چند ما به دست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت. و در جای دیگر همان کتاب در تاکید بر واقع‌نگری انقلابی خطاب به نظریه پردازان بی عمل چنین می‌گوید: "طرح‌های ایده‌آ و زود هر قدر هم که ضروری تشخیص داده شود، بدون ارتباط با امکان عمل ما زمان چیزی حاصلی است. پس

بقیه در صفحه ۱۶

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

یورش جدید وزارت کار

به شوراها تحت عنوان "قانونی کردن"

نماینده وزارت کار به کارخانه می‌رود و درخواست می‌کند که از کارگران رأی گرفته شود که آیا حاضرند نماینده وزارت کار در انتخابات شوراها داشته باشند یا نه. نتیجه رأی گیری با اکثریت قاطع کارگران به مخالفت با وزارت کار نماینده وزارت کار منتج می‌شود.

اما سیاست دشمنی با شوراها در این جا خاتمه نمی‌یابد. اگر در کارخانه‌ای که کارگران توانستند از این موانعی که وزارت کار بر سر راه انتخابات ایجاد می‌کند بگذرند آنگاه وزارت کار مدعی می‌شود که شورای کارخانه را به رسمیت نمی‌شناسد.

آری وزارت کار جمهوری اسلامی می‌خواهد شوراها بی‌تشکیل بمانند نمایندگان آن اولاً: موردتأکیدانجمن اسلامی در کارخانه باشند ثانیاً: ایجاد جواز و روتقالب و غفلان در کارخانه - جات همگرا ندهد آدی دیگر قابل از سر - گزاری انتخابات برکنار کند و اگر نتوانستند انتخابات شورا را لغو نمایند. وزارت کار جمهوری اسلامی می‌خواهد شوراها بی‌تشکیل بمانند - گان آن درجهای رهوب قوانین و بخشها - مه‌های ضدکارگری این وزارتخانه عمل کنند و بجای کنترل و نظارت بر کار مدیران، مطیع و فرمانبردار آنها باشند. اعمال و حرکات کارگران را زیر نظر داشته باشند و می‌تواند از کارگران را در جهت حقوق واقعی شان مهار کنند.

آری وزارت کار به چنین شوراها بی‌شورای قانونی" میگوید.

کارگران پیشرو و انقلابی باید به افشاکری هر چه وسیعتر اعمال فساد کارگری وزارت کار را و زحمت به دخالت آن هادرا انتخابات شورا، دست زنند. آنها ضمن این افشاکری باید به مقابله با طرح هیئت موسس که وزارت کار در درون کارخانه‌ها می‌خواهد ایجاد کند بر خیزند و با افشای این طرح فساد کارگری، کارگران را بسیج کنند و با تبلیغ حول تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیئت نظارت بر انتخابات از میان برده کارگران، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارند. کارگران پیشرو باید اهمیت انتخابات آزاد و دمکراتیک را در کارخانه - نجات هر چه بیشتر بین توده کارگران تبلیغ کنند و توضیح دهند که نمایندگان شورا برای مستقیم و مخفی کارکنان کارخانه تعیین شده و به وسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد. هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد افراد مورد تأشیر خود را به کارگران تحمیل کند و با نمایندگان کارگران را عزل نماید و بالاخره کارگران پیشرو باید اینرا بگویند، تکرار کنند و با زحمات تکرار کنند که شوراها شیکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده‌اند، نمایندگان به حق کارگران - بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

کارگران می‌توانند انتخاب کنند، و با عضویت یک نماینده وزارت کار در این هیئت می‌کوشند تا به هدف خود دست یابند. آنها می‌گویند: این هیئت با بد ملامت کارندهای مورد نظر کارگران را تأشیر کند. وزارت کار با این موانع می‌کوشد از نمایندگان کارگران پیشرو و انقلابی و نمایندگان مورد اعتماد کارگران جلوگیری نماید. برای پیشبرد این مقاصد انجمن های اسلامی کارخانه‌ها با توسل به شیوه تفشیش عقاید و جاسوسی، ابتدا کارگران پیشرو و انقلابی و یا نمایندگان که در دوره‌های گذشته در جهت منافع کارگران عمل کرده‌اند، شناسایی کرده و به وزارت کار جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. مدیران کارخانه‌ها نیز با همکاری انجمن های اسلامی و تأشیر وزارت کار قبیل از اینکه در کلیات انتخابات کارخانه‌ها شورا در دستور کار - قرار گیرد، با تمام قوا سعی در اخراج کارگران پیشرو و انقلابی می‌کنند. از جمله در گروه صنعتی کفش ملی قبل از آن که جریان انتخابات شروع شود تعداد زیادی از نمایندگان شورای مرکزی - وعده زیادی از فعالین کارخانه - دستگیر و اخراج و زندانی شدند. در یکی از واحدهای گروه صنعتی کفش ملی (استاندارد)، آنها پس از اینکه اغلب نمایندگان شورای مرکزی را دستگیر و زندانی و اخراج کردند، مسئله انتخابات شورا را مطرح کردند. اما کارگران متعداً اعلام نمودند که تنهها نمایندگان اخراجی را به عنوان اعضای شورا تأشیر می‌کنند.

کارگران پیشرو باید اینرا بگویند: تکرار کنند و با زحمات تکرار کنند که شوراها - شیکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده‌اند، نمایندگان به حق کارگران بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

در کارخانه‌ها با رسالکتوری یک نماینده وزارت کار برای نظارت بر انتخابات به کارخانه می‌رود. کارگران در یک مجمع عمومی دست به افشاکگری علیه نماینده وزارت کار زده و او را از - کارخانه بیرون می‌کنند. نیارد یک

از آغاز سال ۶۰ مسئله انتخابات شوراها و مبارزه برای تشکیل شوراها بطور سراسری در اغلب کارخانه‌ها اوج گرفته است. کارگران که در پی مبارزات خود بتدریج بی‌مبهرندگی تنهها با ایجاد و حفظ تشکلهای شورایی قادر خواهند بود از حقوق واقعی خود دفاع کنند، بیگیرانه برای انتخاب نمایندگان که در جهت - منافع آنان کامبردارند تلاش می‌کنند. تا ما رژیم جمهوری اسلامی که نتوان از - پاسگوشی به خواستههای حداقلی خود - کارگران است و در هر قدم در جهت تأمین منافع سرمایه‌داران و تجار کارگرمی - میدارد، در مقابل جنبش کارگری - سیاست سرکوب گسترده و بی‌امان را بر گزیده است. یکی از اهرم های پیشبرده این سیاست سرکوب، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی است. وزارت کار بعد از گذشت بیش از دو سال با اتکاء به قانون کارخانه‌ها و دولتهای حامی آنان در جهت غارت و استثمار هر چه بیشتر توده کارگران بوده است. هنوز هم با حشاق ماده ۳۳ قانون کارخانه‌ها و کمیته‌های داوری و یا شورای حل اختلاف، زمینیه قانونی اخراج کارگران را فراهم میکند. این وزارتخانه در این دو سال سعی از دشمنی با شوراها و کارخانه دست برد نداشته است. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که مانند سایر ارگانهای حکومتی پس از قیام در صدد انحلال شوراها - کارخانه‌ها بود، پس از نتوانی در این زمینه، سیاست فرمایشی کردن شوراها را در دستور قرار میدهد. و اکنون بدنبال همین سیاست با توسل به حیل "قانونی کردن" شوراها، اهداف سرمایه‌داران را تعقیب می‌نماید. در شرایط کنونی وزارت کار با همکاری مدیریت کارخانه و تلاش بیگیرانجمن های اسلامی در مقابل انتخابات آزاد و دمکراتیک در کارخانه - جات ایستاده است. هر جا که مسئله برگزاری انتخابات مجدد شوراها مطرح می‌شود، وزارت کار تحت عنوان نظارت بر انتخابات و رسمی کردن نمایندگان شورا وارد عمل می‌شود. آنها از یک سو با طرح ضوابطی می‌کوشند از نمایندگان نمایندگان که مورد اعتماد کارگران هستند جلوگیری کنند و اگر در این مرحله موفق نشوند آنگاه با پیش کشیدن هیئت موسس که اعضای آن را فقط ده درصد

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندانند

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۱۹

بعد از این ضربه، نیروهای سرکوبگر که خود را در مقابل عزم و اراده خلق کرد خمیر می بینند و برای جبران شکست های خود دست به هر عمل بی شرمانه و جناحست باری می زنند، از جمله روز جمعه بیست و دوم خرداد، روستای دارلک را به آتش می کشند.

درگیری پیشمرگان فدائی در مریوان

با سرکوبگران خلق کرد

در روز دوازدهم خرداد عسدهای از ارتشبان، جاشها و پاسداران به قصد سرکوب مردم اطراف مریوان و بیابان اصطلاح با کسازای روستا های گورگتشی و احمدآباد در ۲۵ کیلومتری مریوان به سمت این روستا ها حرکت می کنند. هنگامی که این خبر به پیشمرگان فدائی می رسد گروهی از آنان به سمت روستا حرکت کرده و در درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی شروع می شود. پس از مدتی پیشمرگان حزب دمکرات به کمک پیشمرگان فدائی آمده و درگیری دو ساعت و نیم به طول می انجامد. مناطق اعلامیه ای که تشکیلات مریوان انتشار داده، در این درگیری، چهار رجا شوش و پاسدار ارتشی کشته و عدهای زخمی می شوند و سرکوبگران عقب نشینی می کنند.
(نقل از سومین شماره خبرنامه بوکان)

گرامی باد خاطره مجاهد شهید رضاشائی

بقیه از صفحه ۲۰

و از خلق دفاع کرد و قهرمانان به شهادت رسید.
رژیم جمهوری اسلامی در بیلابند در روزی نماند که پیش سیدار دبا در خمیرسا لگزد. شهادت این مجاهد رزمنده، او را از زمان مجاهدین که هم اکنون مبارزات درخشان این رزمندگان را دنبال می کنند مجزا سازد و حال آنکه این عزیزان در دست به دلیل همین اختناقها، سرکوبها و کشتارها که رژیم کثرتی نیز بآن دست میزند به مبارزه برخاستند و سازمان مجاهدین خلق نیز ادامه دهنده راستین این مبارزان می باشد. در حالیکه خانواده رضا شای که ۴ شهید به پیشگاه خلق قهرمان ایران تقدیم کردند تحت شدیدترین تضییقات و فشارها از جانب رژیم سرکوبگر کثرتی قرار دارند.
اکنون توده ها بیدار شدند و شایه رژیم را با ورندها و رندها و بمباران خود برای همان دستاورد ها می کشند و مدتها رضائی را از دست دادند اما نخواهند داد.

خبر کوتاه بود،

اعدامشان کردند

هموطنان مبارز! زحمتکشان ایران!

بار دیگر دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخون فرزندان خلق آلود شد، وطنی دو کشتار دسته جمعی ۲۳ تن از فرزندان راستین خلق در برابر جرم اعدام دژ غیمان رژیم قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی دیوانه وار و هوار، خمیره کشتار توده های مردم و فرزندان انقلابی آنها بسته است. هنوز چند روزی از کشتار جناحبتکارانسه، کارگران شهرک صنعتی البرز، بدست پاسداران مزدور سرما به و شنبه خونین تهران نگذشته بود که بغافل چند ساعت خبر اعدام ۲۳ تن از فرزندان انقلابی خلق، فدائیان خلق، مجاهدین خلق و انقلابیون دیگر بدست دژ غیمان رژیم منتشر شد. در میان اسامی اعدام شدگان نام انقلابیون سرشناسی چون فدائی خلق، سعید سلطانی، پروین مندا، نقلابی، محسن فاضل رزمنده، نقلابی که مدتها علیه رژیم شاه و دژشادوش خلق قهرمان فلسطین علیه دشمن صهیونیستی اسرا شیل جناحبتکاران مبارزه کرد، دیده می شود.

نظیر این جنایات هولناک جمهوری اسلامی، این کشتارهای دسته جمعی این اعدامهای بدون محاکمه را تنها در رژیمهای فاشیستی، هیتلر و فرانکو، در رژیمهای ضد خلقی و مرتجع آرزانتین، و رژیم مزدور شاه میتوان سراغ گرفت. اما رژیم جمهوری اسلامی در جلادی و قساوت گوی سبقت را از بسیاری رژیمهای فاشیستی نیز برده است.

کدام رژیم فاشیستی کودکان ۱۴ تا ۱۵ ساله را بجوخه اعدام می مبارز؟ - کدام رژیم ضد بشری را در دنیا میتوان سراغ گرفت که دختران محفل را بر کبار مسلسل بکشد و اعدام کند؟ کدام رژیم فاشیستی این چنین بی محابا دست به اعدامهای دسته جمعی بدون محاکمه میزند؟

این اعدامها، این وحشیگریها و این جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بیانگر مهابت ارتجاعی، ضد خلقی و ضد بشری این رژیم است بلکه در عین حال اوج درماندگی، پوسیدگی، انحطاط و ضعف رژیم را نشان میدهد که آخرین لحظات حیات تنگنای آن را میگذارد.

رژیمهای ضد مردمی هنگامی که آخرین لحظات حیات خود را نزدیک می بینند، دیوانه وار بر جناحبتی متوسل می شوند، تا بخیال خام خود شایه چند روزی دیگر بحیات تنگنای شان ادامه دهند.

رژیم مزدور شاه نیز در آخرین لحظات عمر تنگنای اش درست بهمین شیوه ها متوسل می شد، اما دیدیم که چقدر این تلاشها مذبحا نه بودند و نتوانست یک لحظه رژیم را از سقوط حتمی نجات دهد. بنا بر این جنایات رژیم جمهوری اسلامی و اعدامهای دسته جمعی نه دلیل قدرت دژ غیمان جمهوری اسلامی، بلکه دلیل ضعف، درماندگی و ناتوانی رژیم است که مدام در سراشیب انحلال و سرنگونی دست و پا میزند. تردیدی نیست که سر نوشتی هولناک ترا از رژیم مزدور شاه، در انتظار دژ غیمان جمهوری اسلامی است. خلق انتقام فرزندان خود را از این جناحبتکاران نیز خواهد گرفت و رژیم جمهوری اسلامی را در کنار رژیم سلطنتی شاه بگورستان تاریخ خواهد سپرد.

مانند دژشادوش خلق، واستوار تر و پیکر ترا همیشه به نبرد علیه رژیم اختناق و سرکوب، علیه استعمار و استثمار مبارزه خود ادامه خواهیم داد و این جنایات را بی جواب نخواهیم گذاشت.

گرامی باد ایداد ۲۳ تن شهید بخون خفته خلق که بدست دژ غیمان رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسیدند.

یادشان گرامی و راه پرافتخارشان جاویدان باد

آزادی سیاسی تامین، باید گردد، شورای انقلابی ایجاد باید گردد



ناسداران سرمایه‌داری و احمقانه‌ی کارگران شهرمان شهر صنعتی البرز را خون کسند

بقیه از صفحه ۱

ما چرا چه بود؟

در تاریخ ۲۵ خرداد سپاه پاسداران - شهر صنعتی اطلاعیه‌ای صادر نمود و در آن در همین اعلام سخنرانی استناداً در روز ۲۷ خرداد ماه - بر طبق روش همیشگی رژیم که برای سخنرانی‌ها و راهپیمایی‌ها پیش از طریق بخشنامه و اطلاعیه نیروها را مجبور به آمدن میکند - تنها می‌کارخانجات را موظف داشته بود تا کارگران خود را از ساعت یک بعد از ظهر به سخنرانی بفرستند. مخالفت کارگران با حضور اجباری در سخنرانی از همان ابتدا شکل گرفت و حتی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر قبل از ظهر مرضی گرفته از کارخانه غایب شدند. در ساعت ۱۲ کارگران از کارخانجات بیرون آمدند اما به سخنرانی نرفتند. در این هنگام بود که نطق‌های حرکت اعتراضی از سوی کارگران پادان شمار "مرگ بسرهشتی - درود برینتی مدریسته شد. اما پس از جمع شدن کارگران شمارها به سرعت به "اتحاد - اتحاد - کارگران اتحاد" و گران، بی‌کار رینا بود با بدگورده "و... بدل شد. کارگران که تعدادشان به ۲۰۰۰ نفر می‌رسید پس از مغروب کردن فرمانده سپاه پاسداران شهر صنعتی که قصد داشت آنرا بپراکنده کند تصمیم گرفتند بسوی قزوین دست به راهپیمایی بزنند. پیش

از ۵۰۰۰ کارگر می‌پارزیدند و شعارها را با اتحاد، اتحاد، اتحاد و "مرگ بر بهشتی روانه قزوین شدند. پس از رسیدن سیل خروشان کارگران به جاده اصلی قزوین شهرمان عده بسیاری از کارگران کارخانجات - "فرخ" و "تازخ" نیز که با خبر شده بودند به آنان می‌پیوستند. راهپیمایی پر شکوه کارگران بسوی قزوین ادامه می‌یافت اما در مقابل پمپ بنزین پیش از آنکه به جاده رودر مقابل صف رزمندگان کارگران قرار گرفته، آنان را به رگبار می‌پندند. کارگران پس از مدتی مقاومت به باغات و کارخانجات اطراف جاده پناه می‌برند و سعی می‌کنند به هر طریق خود را به شهر برسانند. اما پاسداران به کمک فالانژها اقدام به دستگیری وسیع کارگران می‌کنند. حرکت گسترده و یکپارچه کارگران شهرمان شهر صنعتی البرز نشان‌دهنده‌ای است از خیزش کارگران در مقابل سیاستهای ضد خلقی - رژیم جمهوری اسلامی و کارگران مبارز شهر صنعتی البرز هم چون بسیاری از دیگر کارگران سراسر ایران، بدرستی درک کرده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی پیش از دو سال حاکمیت با حمایت از سرمایه داران و زمینداران و با ممانعت و نزدیکی با امپریالیسم چیزی جز فقر، گرانسی،

بی‌کاری، کم‌تأسی بی‌احتیاج و لایه جنگ آوارگی برای حتمتکشان بسیار نیاورده است. کارگران بدرستی دریا فتنه اندک رژیم جمهوری اسلامی در مقابل توده‌ها قرار دادند. سرکوب، خفقان، اختناق و اعمال سانسور سیاه فقط و فقط برای جلوگیری از رشد مبارزات توده‌ها، جلوگیری از رشد انقلاب و حمایت از منافع سرمایه داران زمین داران است. و همچنین کارگران مبارز دریا فتنه اندک تنها و تنها عمل مستقیم آنهاست که میتواند خواسته‌های مردم را برآورده سازد و حقوق مسلم آنان را از حلقوم سرمایه داران و حامیان بیرون بکشد. و اینک حرکت یکپارچه کارگران - شهر صنعتی البرز در مقابل فشار، سرکوب و اعمال زور و قتل نویسی زوری به "عمل مستقیم" و مقابل "تأسی" با رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای سرکوبگر است. اما نکته که گسترش حرکات اعتراضی توده‌ها در هفته‌های اخیر، اعتراضات، تظاهرات، درگیری با نیروهای سرکوبگر... نشان‌دهنده‌ای از آگاهی و پیوستن جنبش خلق است که حرکت یکپارچه کارگران شهر صنعتی نیز آینده‌ای پر شکوه از مبارزات روبه‌اعتماد طبقه کارگران را به نمایش می‌نهد.

رژیم جمهوری اسلامی با کشتار کارگران به‌خاطر شهر صنعتی البرز، با به‌رنگی به بستن صفوف راهپیمایان، با به‌شهادت رساندن بیش از ۱۰۰ کارگر و به خون کشیدن بیش از ۵۰۰ نفر را در دیگر کارخانه‌ها و شهرهای صنعتی، خاطر کشتار روحها که جهان پیست را در آذغان توده‌ها زنده کرده رژیم با دیگر نشان داد که در مقابل خلق توده‌ها ایستاد است و جهت حفظ منافع سرمایه داران دست به هر کشتاری خواهد زد. رژیم با به‌رنگی بستن کارگران شهر صنعتی البرز و با به‌گلوله بستن و شهادت تظاهرات مردم در شهران (۳۰ خرداد) بخوبی نشان داد که در جهت برقراری رژیم ترور و اختناق از هیچ کوششی فرو گذاری نمی‌کند. اما توده‌ها که بر اثر این کشتارها و سرکوبها روز بروز بیشتر چهره "ضد خلقی" رژیم را می‌شناسند، با گسترش مبارزات خود در جاناتان‌های به‌سرکوبگران خواهد آموخت. درسی که تاریخ - و توده‌ها که سازنده آنند - به تمامی سرکوبگران خلقها آموخته‌اند.

از میان رفقایمان تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

بقیه از صفحه ۱۵

که در عرض مدت کوتاهی غربا تی‌بما بزند. البته ما قطعاً "قره به میخوریم و آبین اجتناب ناپذیر بود، ولی می‌بایست آگاهانه و با وقوف به تا شیرات مثبت ضربه نخوردند. هدف قبل برای مدتی کم‌بیتا نیم‌پا به هلی سازمان را تا حدی مستحکم‌نما شیم، از سر خورد اجتناب می‌کنیم و خود را آماده دفاع از دست آورده‌ها می‌نمودیم. رفیق در زمینه تشکیلات نیز از درایت بی‌ظنیری برخوردار بود بطوری که طی سازماندهی مبارزه‌اش بیشترین بازمانده‌ها را زنده می‌کشد، با واژگمترین امکانات بیشترین استفاده را برای سازمان به ارمغان می‌آورد، هم‌چنین در زمینه برخورد به ضعف‌ها رفیق نقایس سازمان را تکیه بر اصول طلایی حرکت و انتقاد از خود بزرگترین خدمت‌ها را به ما زمان نمود. رفیق عظمت و ارزش و الگرفقایی - کمونیت خود را بخوبی درک و در باره هم زمانش میگفت، رفقای ما نمونه‌های ملی زمامت انقلابی بودند. رفقای ما به خاطر اعتقاد داشتن به راهپیمایی‌ها را قبل می‌کردند. و معمولاً به تنها چیزی

که به‌ها نمیدادند، جان نشان بود هم‌بین بود که مفهوم "فدایی" در مورد آنها نه‌بسه عنوان یک شمار بلکه به‌معنای یک واقعبین معداق پیدا میکرد، همچنان که امروز نیز چنین است و او خود نمونه بزرگی از آن چه در باره دیگران میگفت بود. رفیق حمید همچنانکه نسبت به هم‌رزمان مدیقتش سراپا عشق می‌ورزید نسبت به آنان که ضعف‌های اساسی نشان میدادند با درنیمه راه جنبش خیانت می‌ورزیدند. همچنانکه به دشمن سخت‌گیرانه می‌ورزید با قاطعیت انقلابی با آن برخورد می‌کرد. پیچیده نبود که آپورتونیستهای رنگارنگ از ترس تشکیلاتهای خجول تا روشنفکران - مردد و ارباب استالینین مقابسه می‌کردند و از وجود شبح استالینینستی بر سازمانی که او ان راهبری می‌کرد دم می‌زدند. آری او مظهر و مدافع نظام انقلابی تشکیلات بود و در این رابطه گذشت نمی‌کرد، بگوئیم با ایمان به پیروزی همان در راهی که از خون رفقای چون اولاد گون است، استواریم و ایمان انقلاب را در پیوند بسا توده‌ها در نبرد طولانی‌سرا انجام می‌برسانیم.

رفقا! هواداران!

با تمامی توان خود، در جهت گسترش مبارزات فدا می‌بازایستی - دمکراتیک شعار
«مرگ بر حزب جمهوری اسلامی،
زنده باد شوراهای انقلابی، پیش
بسوی تشکیل مجلس مؤسسان»
را بر در دیوار شهر بنویسید.

نابودی انقلاب خواست حزب حاکم، ادامه انقلاب، خواست زحمکشان

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۲۰

سرسبز - جاده بوکان - سقر (روستا یسر) و منطقه مریوان، به حرکت درآمده اند و با یک سازماندهی منسجم، مشکل از ارتش سواد، بسیج، ژاندارمری و هوایرروز در تدارک جنایات تازه ای علیه خلق قهرمان کرد می باشند. ولی سرکوبگران در اولین حرکات خود با شکست همسای سنگین و مفتضحانه ای که خلق کرد و پیشمرگان قهرمانش بر آنها وارد آوردند، مواجه شدند.

مهاباد

در منطقه اطراف مهاباد در روزهای دارلک - گوک تپه و لچکماندوهای هوا نیروز قعدا شدند با هلیکوپتر در منطقه پیاپی ده شوند و به زعم خود، نیروهای پیشمرکه و توده های مسلح را غافلگیر گنندند اما سرکوبگران خود به کمیسیون پیشمرگان قهرمان افتادند. بدین ترتیب که هلیکوپترها می که قعدا شدند که آنها را پیاپی ده کنند، توسط پیشمرگان به رگبار بسته شده و هر دو هلیکوپتر منهدم شدند، و نیروهای کما توده به هلاکت رسیده اند. عده زیادی از نیروهای کمکی کماندوها نیز توسط پیشمرگان و توده های مسلح کشته و زخمی شدند. در این درگیریها حدود ۹۰ تن از سرکوبگران کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. علاوه بر این ۲ هلیکوپتر منهدم شد و مقدار زیادی مهمات و اسلحه بدست پیشمرگان افتاد. همچنین در این درگیری، هشتاد تن از پیشمرگان و مردم شهید و زخمی شدند. یادشان گرامی باد.

در دره قاسلو و جاده پانزدهم نیروهای سرکوبگری مقاومت پیشمرگان و مردم مسلح مواجه شدند و بعد از دادن تعداد زیادی تلفات مجبور به عقب نشینی شدند.

در جاده سقر - بوکان نیروهای سرکوبگری خمپاره به روستاها حمله کردند. در این درگیری ها یک پیشمرکه شهید شد. و یک هلیکوپتر دشمن سرنگون گردید.

سقر

نیروهای سرکوبگر مستقر در تپه آلتون در نزدیکی شهر سقر، شبانه مورد حمله پیشمرگان خلق کرد قرار می گیرند. در این عملیات دهها نفر از مزدوران کشته و زخمی می شوند. تقریباً سارت در میانه دو قبضه توپ دشمن منهدم و مقرشان به آتش کشیده میشود. در این عملیات متجاوز از چهار قبضه توپ و مقدار زیادی فشنگ و دیگر تجهیزات نظامی بدست پیشمرگان می افتد. دو پیشمرکه قهرمان در این درگیری شهید می شوند. یادشان گرامی باد.

بقیه در صفحه ۱۷

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور

پتک است خون من در دست کارگر (سعید سلطانپور) داس است خون من در دست بوزگر

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی و متوقی جهان!

فدائی خلق سعید سلطانپور، عرو هنرمند انقلابی، و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، که بخاطر مبارزات آشتی ناپذیرش علیه رژیم شاه شهرت جهانی داشت، شامگاه دیروز در زندان اوین بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بخواه اعدام سپرده شده و بشهادت رسید.

این جنایت سنگین که یگانه ردیگر چهره کرب و و مدخلقی رژیم جمهوری اسلامی را بنام نیروهای انقلابی ایران و جهان نشان داد، لکنه سنگ دیگری است بر چهره جنایتکاران و عوامفریبانی که میگویند با بهای لوزان حکومت خود را برترور، اعدام و کشتار نیروهای انقلابی قرار دهند.

رفیق سعید سلطانپور عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که زندگی خود را در راه توده های زحمتکش و آزمان والای کارگران قرار داده بود، از سالها پیش مبارزه ای بی گبر و خستگی ناپذیر را علیه رژیم شاه آغاز کرد. او تمام نبوغ و خلاقیت هنری خود را در خدمت خلق بکار گرفت. چندین بار زندان افتاد، و چندین سال از عمر خود را در سیاهلای ساواک و در زیر شکنجه های مزدوران رژیم شاه گذراند. اما این شکنجه ها و زندانها نمی توانست کمترین خللی در مبارزات او علیه رژیم شاه ایجاد کند، بلکه با لگن با مبارزندان و شکنجه ای آبدیده تر و استوار میدان مبارزه آمد، تا وظیفه خود را در خدمت توده های زحمتکش انجام دهد. رفیق سعید که میلی توانا بود، فعالانه در افشای جنایات رژیم شاه می کوشید. او پیش از سرنگونی رژیم طی یک سلسله سخنرانی ها در کشورهای مختلف جهان، جنایات رژیم و شکنجه های مزدوران ساواک، را افشا کرد و ما هیت جنایتکارانه رژیم پهلوی را به مردم سراسر جهان معرفی کرد.

رفیق سعید که بی گیرانه از منافع توده های زحمتکش و طبقه کارگران ایران دفاع میکرد، پس از سرنگونی رژیم شاه علیه سیاستهای فدخلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بمبارزه برخاست و ما هیت سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی آنها را افشا نمود. رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات و شخصیت انقلابی او بهراس افتاده بود، در تاریخ ۲۷ فروردین روزی که قرار بود مراسم عروسی سعید برگزار شود، او را با زداشت کرد و از آنجا که از آنکس خبر با زداشت او در میان مردم وحشت داشت حتی از اعلام خبر با زداشت او خودداری کرد. سازمانها و شخصیتهای انقلابی و متوقی جهان علیه با زداشت سعید بمبارزه برخاسته و بی گیرانه خواستار آزادی او شدند. اما سازمان ورهبران کون جمهوری اسلامی که یک ذره نیز از تجربه سرنگونی رژیم شاه درس نیا موخته اند، وهما نند رژیم شاه تصور می کنند که با ترور و کشتار انقلابیون میشو اند جلومبارزات توده های مردم را سد کنند. در شامگاه روز گذشته سعید را بدون محاکمه و تنها با تهمات مبارزانش علیه رژیم شاه بخواه اعدام سپردند. و با ردیگر خا طره ترور فقها بیژن جزنی و همزمان او را در زندان اوین بدست رژیم جنایتکار شاه زندانی کردند. اما چه خیال باطلی! هر انقلابی که برخاک می افتد، دهها انقلابی بیامیخیزند، و هر فدائی که بخاک و خون در می غلطد، جای او را دهها فدائی خواهد گرفت.

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی جهان!

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور به همراه ۲۲ تن از فدائیان خلق و مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی دیگر، ما هیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر عریان میکند. به هر وسیله ممکن، علیه این سیاستهای جنایتکارانه رژیم پهلوی و ارتجاعی آن بکوشید.

ننگ و نفرت بر جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی

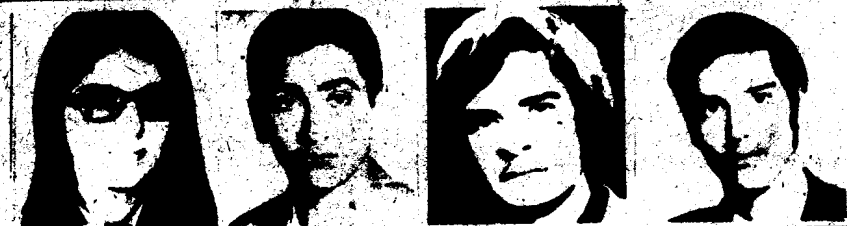
زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد



یادشدهای تیرماه گرامی باد



لایق مهربانی / فاطمه حسینی / یوسف قانع خشکبیجار / محمد رضایشیری



عسکرسینئی ابیده / علی اکبروزیری / محمدحسین حقنواز / طاهره خرم

رهائی کارگران بوقله پیروزی، امتداد می‌یابد.

در سحرگاه خونین هشتم تیرماه ۱۳۵۸ فداشی کبیر و رهبر ما زمان، رفیق، حمید اشرف و ده فدائی دیگر، رفقا

★ غلامعلی خراطپور

★ محمدحسین حقنواز

★ یوسف قانع خشکبیجار

★ محمد رضایشیری

★ غلامرضا لایق مهربانی

★ علی اکبروزیری بقیه در صفحه ۴

حماه سباهکل در سال ۱۳۴۹ بسواغ از جنبش نوین کمونیستی ایران و آغا زحرکت سا زمان ما بود. فداشیا ن خلق طیها زده سال مبارزه سخت و بیامان و بیپشورسا دشمنان خلق و طبقه کارگر، مهربلان بر تا ریخته ننگین خیانت های سا زشکاران و اپورتونیست های خانه نشین کوبیدند. آنها با قهرمانی های خود در کوه و خیا بان و در رویا روشی با مزدوران رژیم، در زندان ها، شکنجه گاهها، در میدانها و تیر حما سه ها آفریدند و عشق و ایمان خود را با سه زحمتکشان و به رهاشی کارگران، همچون خونی تا زه در رگ های جنبش کمونیستی ایران جاری کردند.

با دشهدهای تیرماه را گرامی می‌مداریم و پیمان خود را با آنها تجدید و تعکیم می‌کنیم، خط سرخی که با خون فداشیا ن شهید رنگ گرفته تا استقرار پرچم سرخ -

گرامی باد خاطره رفیق شهید دکتر اسما عیل نویسیسا

در زمان رژیم منفور پهلوی و چه در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر خدمت پزشکی در شهرهای خوزستان از جمله سوسنگرد و اهواز، همواره در آگاه ساختن توده ها به واقعیات موجود نقش برجسته ای داشت و وحشت رژیم نیز از همین مسئله بود. او پس از دستگیری در یک دادگاه فرمایشی ما کمه و به خوخوا عدا سپرده شد اما فرزندان انقلابی خلق در قلسب توده ها همواره زنده اند و آرماتشان را توده های زحمتکش ایران و بالایش خلق قهرمان خوزستان بی میگیرند.

ششم تیرماه مصادف با سالگردشدهات فداشی شهید رفیق نویسیسا می‌باشند پزشکی که تنها بجرم خدمت به خلق و بخاطر آرمانهای انقلابی، به خوخوا عسندام دزخیسان رژیم جمهوری اسلامی سپرده شد. جرما و مداوای زخمیانی بود که در حادثه دانشگاه در سال گذشته بدست سرکوبگران رژیم مورد ضرب و جرح قرار گرفته بودند. او که فرزندی بکارگر زحمتکش شرکت نفت بود بخوبی در بافته بود که خدمت پزشکی در واقع جزئی از وظایف انقلابی بک پزشکی است و از همین رو چیده

خبرهای از جنبش مقاومت خلق کرد

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی دست به سیاستهای تازه ای جهت سرکوب خلق کرد زده اند اما در اولین حرکات خود با ضربه های سنگینی از جانب پیشمرگان و خلق قهرمان کرد روبرو شدند

اخیرا "نیروهای سرکوبگر به یک پورش وسیع و تقریبا "سرتاسری علیه جنبش مقاومت خلق کرد، جهت استقرار مجدد ارتش در مناطق آزاد شده از اجانب خلق کرد، مبارزت ورزیده اند. طبق آخرین اخبار روزگزارشات از دو زده هلم خرداد، دستونهای ارتشی و سایر نیروهای سرکوبگر در مناطق دره قاسملو جاده با نه چاده رومیه مها باد اروسا های دارلکو کوی تبه ولج) چاده سقر سربوان (منطقه بقیه در صفحه ۱۹

گرامی باد خاطره مجاهد شهید «رضارضائی»

در نیمه شب ۲۵ خرداد ۱۳۵۲ طی یکی دزگیری مسلحانه که بین رضارضائی، یکی از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران و مزدوران ساواک بوقوع پیوست این مجاهد دلیر بشهادت رسید. حماسه رضائی ها با رضارضائی و فرار او از زندان و شکنجه گاه او بین آغا زکشتنه با شهادت قهرمانانه احمد رضائی اولین شهید سازمان مجاهدین خلق که با نارتیک خامن کشیده به میان مزدوران ساواک رفت با وجود اعتلای تازه ای گرفت و با مقاومت پولادین مهدی رضائی این شهید ۱۹ ساله تکمیل شد. رضارضائی زسال ۴۹ تا هنگام شهادتش نقش ارزنده ای در پیشبرد مبارزات سازمان مجاهدین و جنبش خلق ایفا کرد. او در آخرین نبردهای مقاومت و متدلیبرانه دست زد و تا آخرین گلوله سلاحش از انقلاب بقیه در صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر